

درباره تحولات نظم اقتصاد بین‌الملل؛ مهر و آبان ۱۴۰۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۵۴۶
کد موضوعی: ۲۲۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۱۲/۲۵

عنوان گزارش:

درباره تحولات نظم اقتصاد بین‌الملل؛ مهر و آبان ۱۴۰۳

نوع گزارش: طرح/لایحه راهبردی نظارتی

نام دفتر:

مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد بین‌الملل)

ترجمه و تدوین کنندگان:

میلاذ ترابی فرد، طاهره رحمانی، مینو خانزاده (گروه اقتصاد بین‌الملل)

مدیر مطالعه:

مهدی رزم آهنگ

اظهار نظر کننده:

احسان فلاحی

ناظر علمی:

سید مهدی بنی طبا

گرافیک و صفحه آرایی:

منیره حاجی محمدی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد بین‌الملل

۲. چین

۳. آمریکا

۴. اتحادیه اروپا

۵. زنجیره تأمین

۶. رقابت

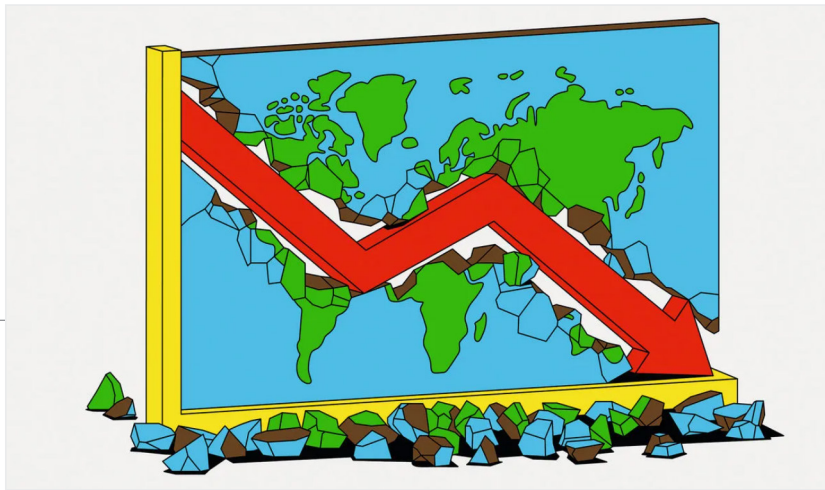
تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۰۸/۰۵



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه و بیان مسئله.....	۸
۲. کریدور اقتصادی هند - خاورمیانه - اروپا در یک سال ^۱	۱۰
۳. بخت و اقبال به افراد شجاع رو می کند: ارتقای استراتژی ژئواکونومیک اتحادیه اروپا ^۱	۱۴
۴. در مواجهه با جنگ در خاورمیانه و اوکراین، ایالات متحده ضعیف به نظر می رسد ^۱	۲۷
۵. جمع بندی و نتیجه گیری.....	۲۹
منابع و مأخذ.....	۳۰



درباره تحولات نظم اقتصاد بین‌الملل؛ مهر و آبان ۱۴۰۳

چکیده



در دنیای امروز، شاهد دگرگونی‌های شگرفی در عرصه‌های نظم اقتصاد بین‌الملل هستیم. مقام معظم رهبری نیز بارها به موضوع تغییر نظم اشاره کرده‌اند؛ شناخت صحنه جدید روابط اقتصاد بین‌الملل نیازمند رصد و پایش و مطالعه تحلیل‌ها و یادداشت‌های معتبر است. گزارش حاضر باهدف ارائه تحلیلی جامع و عمیق از روندهای اصلی و نیروهای شکل‌دهنده نظم آینده اقتصاد بین‌الملل به بررسی تعدادی از یادداشت معتبر در زمینه تغییر نظم اقتصاد بین‌الملل پرداخته است. لازم به ذکر است؛ محتوای این گزارش‌ها لزوماً مورد تأیید مرکز پژوهش‌های مجلس نیست و صرفاً جهت آشنایی مدیران و کارشناسان کشور با این تحلیل‌ها ارائه شده است. در این شماره سه پرونده با عناوین «روابط راهبردی هند و آمریکا»، «گفتمان امنیت اقتصادی» و «نسبت آمریکا و جنگ غرب آسیا» به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است

آرها و همکاران در سپتامبر ۲۰۲۴ در پایگاه اینترنتی نشنال اینترست مقاله‌ای با عنوان «کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا در یک سال» منتشر کرده‌اند. نویسندگان در این نوشتار بر پیشرفت‌های قابل توجه هند و خاورمیانه در این کریدور تأکید دارند و معتقدند که اروپا، به‌ویژه ایتالیا، باید تلاش‌های خود را افزایش دهد تا پتانسیل کامل این ابتکار محقق شود.

تویاس گهر که و فیلیپ مدونیچ در مقاله خود در پایگاه «شورای اروپا در روابط خارجی» با عنوان «بخت و اقبال به افراد شجاع رو می‌کند» به بررسی نیاز اتحادیه اروپا به تقویت موقعیت ژئواکونومیک خود می‌پردازند و پیشنهاد می‌کنند که استراتژی فعلی باید به‌صورت پیش‌دستانه، سیاسی و اصولی به‌روزرسانی شود. نویسندگان معتقدند که تمرکز صرف بر کاهش ریسک‌ها کافی نیست و اتحادیه اروپا باید رویکردی فعال‌تر اتخاذ کند تا بتواند با چالش‌های آینده که توسط ایالات متحده، چین و روسیه ایجاد می‌شوند مقابله کند.

آدام توز در مقاله‌ای با عنوان «در مواجهه با جنگ در خاورمیانه و اوکراین، ایالات متحده ضعیف به‌نظر می‌رسد»، به بررسی واکنش آمریکا به بحران‌های جاری در غرب آسیا و اوکراین می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا عدم اقدام قاطعانه آمریکا نشان‌دهنده ضعف بوده یا بخشی از یک استراتژی عمدی است؟ وی استدلال می‌کند که ممکن است دولت بایدن به‌طور عمدی در حال اجرای یک «استراتژی تنش» باشد تا توازن قدرت جهانی و اقتصادی خود را بازتعریف کند. در نگاه وی سیاست دولت بایدن به‌اندازه سیاست‌های ترامپ رادیکال است.



بیان / شرح مسئله

در دنیای امروز، شاهد دگرگونی‌های شگرفی در عرصه‌های نظم اقتصاد بین‌الملل هستیم. مقام معظم رهبری نیز بارها به موضوع تغییر نظم اشاره کرده‌اند؛ شناخت صحنه جدید روابط اقتصاد بین‌الملل نیازمند رصد و پایش و مطالعه تحلیل‌ها و یادداشت‌های معتبر است. گزارش حاضر باهدف ارائه تحلیلی جامع و عمیق از روندهای اصلی و نیروهای شکل‌دهنده نظم آینده اقتصاد بین‌الملل به بررسی تعدادی از یادداشت معتبر در زمینه تغییر نظم اقتصاد بین‌الملل پرداخته است. لازم به ذکر است؛ محتوای این گزارش‌ها لزوماً مورد تأیید مرکز پژوهش‌های مجلس نیست و صرفاً جهت آشنایی مدیران و کارشناسان کشور با این تحلیل‌ها ارائه شده است.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

در این شماره سه پرونده با عناوین «روابط راهبردی هند و آمریکا»، «گفتمان امنیت اقتصادی» و «نسبت آمریکا و جنگ غرب آسیا» به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱ آر‌ها و دیگر نویسندگان در مقاله‌ای با عنوان «کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا در یک سال» به تحلیل دستاوردهای کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا (IMEC) در اولین سال از آغاز آن می‌پردازد. نویسندگان به این نکته اشاره می‌کنند که هند و کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه امارات و عربستان، در مسیر توسعه این پروژه عملکرد موفق‌تری داشته‌اند. در مقابل، اروپا، به‌خصوص ایتالیا، در تلاش برای همگام شدن با پیشرفت‌های این کریدور نیاز به تعهد و تلاش بیشتر دارد.

کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا (IMEC) در ۱۰ سپتامبر سال گذشته در اجلاس G۲۰ دهلی‌نوامضا شد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابتکارات ژئواکونومیک به‌منظور احیای تجارت و بازرگانی در منطقه هند و مدیترانه‌ای محسوب می‌شود. این کریدور، اقتصادهای هند و اقیانوس آرام را به مدیترانه و اقیانوس اطلس متصل می‌کند و پل اقتصادی مهمی را تشکیل می‌دهد. در سال اول، هند به‌همراه شرکای خاورمیانه‌ای مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی پیشرفت‌های امیدوارکننده‌ای داشته‌اند، در حالی که درگیری‌های اوکراین و غزه، اروپا و ایالات متحده را منحرف کرده است. با این حال، هند و متحدان غرب آسیایی آن نسبت به این ابتکار خوش‌بین هستند، در صورتی که هم‌تایان ترانس‌آتلانتیک آنها کمتر درگیر شده‌اند. این تفاوت باید به‌سرعت برطرف شود تا پتانسیل کامل کریدور محقق گردد.

۲ تویباس گهر که و فیلیپ مدونچ در مقاله خود با عنوان «بخت و اقبال به افراد شجاع رو می‌کند»، به بررسی نیاز اتحادیه اروپا برای تقویت جایگاه ژئواکونومیک خود پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند که رویکرد فعلی اتحادیه اروپا، که بیشتر بر کاهش ریسک‌ها متمرکز است، کافی نیست و این بلوک باید یک استراتژی ژئواکونومیک پیشرفته‌تر، سیاسی‌تر و آینده‌نگرانانه‌تر اتخاذ کند. این مقاله بر ضرورت بازنگری در ساختارهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی اتحادیه اروپا تأکید دارد. نویسندگان معتقدند که وابستگی بیش‌از حد به زنجیره‌های تأمین جهانی و تمرکز محدود بر مدیریت ریسک‌ها، این اتحادیه را آسیب‌پذیر می‌کند. به‌جای این رویکرد منفعل، اتحادیه اروپا باید نقش فعال‌تری در تعیین استانداردها و مدیریت امنیت اقتصادی بازی کرده و از قدرت اقتصادی خود برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی بهره‌برداری کند.

یکی از پیشنهادها کلیدی مقاله، تقویت شفافیت و نظارت بر زنجیره‌های تأمین حیاتی است تا امنیت و استقلال اقتصادی اتحادیه اروپا تضمین شود. این شامل تدوین و اجرای استانداردهای جدید امنیت اقتصادی، تنوع بخشیدن به زنجیره‌های تأمین و ایجاد مشارکت‌های استراتژیک با کشورهای دیگر است. همچنین، اتحادیه اروپا باید ساختارهای اقتصادی خود را کمتر جزیره‌ای و بیشتر هماهنگ سازد تا بتواند در



برابر فشارهای خارجی مقاومت کند. در نهایت، نویسندگان استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا باید جسورانه‌تر عمل کند و به جای واکنش نشان دادن به تحولات جهانی، به یک نیروی تأثیرگذار و فعال در مدیریت مسائل ژئواکونومیک تبدیل شود. تنها از این طریق می‌توان چالش‌های آینده را به فرصت‌هایی برای رشد و امنیت پایدار تبدیل کرد.

۳۳ **آدام توز** در مقاله‌ای با عنوان «در مواجهه با جنگ در خاورمیانه و اوکراین، ایالات متحده ضعیف به نظر می‌رسد»، به تحلیل واکنش ایالات متحده در برابر بحران‌های کنونی در غرب آسیا و اوکراین می‌پردازد. نویسنده این پرسش را مطرح می‌کند که آیا بی‌عملی آمریکا نشانگر ضعف و ناتوانی آن است یا اینکه این رفتار بخشی از یک برنامه‌ریزی استراتژیک حساب شده است. توز در این مقاله اشاره می‌کند که بسیاری از منتقدان، رویکرد دولت بایدن را به عنوان نشانه‌ای از ضعف و انفعال تلقی می‌کنند. اما او این دیدگاه را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که ممکن است این رفتار بخشی از یک استراتژی عمدی برای بازتعریف نظم جهانی و کاهش هزینه‌های مستقیم آمریکا در درگیری‌های بین‌المللی باشد.

نویسنده همچنین به این نکته اشاره دارد که این سیاست می‌تواند هم مزایا و هم معایبی داشته باشد. از یک سو، ایالات متحده ممکن است از تعهدات پرهزینه نظامی اجتناب کند، اما از سوی دیگر، این رویکرد خطرانی مانند از دست دادن نفوذ جهانی یا تشویق بازیگران متخاصم را به همراه دارد. در نهایت، نویسنده معتقد است که عملکرد آمریکا در این شرایط نه تنها بازتاب ضعف نیست، بلکه می‌تواند نشانه‌ای از تغییری عمیق در سیاست این کشور باشد که به سمت تمرکز بیشتر بر منافع داخلی و تقویت جایگاه بلندمدت خود حرکت می‌کند.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز، شاهد دگرگونی‌های شگرفی در عرصه‌های نظم اقتصاد بین‌الملل هستیم. مقام معظم رهبری نیز بارها به موضوع تغییر نظم اشاره کرده‌اند؛ ایشان در یک اشاره واضح بیان فرمودند: «رویدادهای سیاسی و نظامی در این روزها، تشکیل‌دهنده بخشی از همان پیچ تاریخی جهان است که گمان آن رفته بود. نخبگان و زبندگان ملت بزرگ ما در این مرحله، حامل مسئولیت‌های ویژه‌اند. شناخت جبهه‌بندی‌ها و صف‌آرایی‌ها و انتخاب موضع درست، مسئولیت کوتاه‌مدت و آمادگی برای نقش‌آفرینی در تحولات به سود جبهه حق، وظیفه میان‌مدت آنان است». ایضاً ایشان با طرح این پرسش که «در دنیای جدید ایران چه کاره و در چه جایگاهی است؟» بیان داشته‌اند: «ایران عزیز به علت برخورداری از خصوصیات برجسته‌ای همچون نیروی انسانی باهوش و با استعداد، منابع طبیعی متنوع و فراوان، موقعیت جغرافیایی حساس و ممتاز و از همه مهم‌تر منطق‌والای حکومتی و تمدنی می‌تواند جایگاه برجسته‌ای در نظم جدید داشته باشد». شناخت صحنه جدید روابط اقتصاد بین‌الملل نیازمند رصد و پایش و مطالعه تحلیل‌ها و یادداشت‌های معتبر است. گزارش حاضر باهدف ارائه تحلیلی جامع و عمیق از روندهای اصلی و نیروهای شکل‌دهنده نظم آینده اقتصاد بین‌الملل به بررسی تعدادی از یادداشت معتبر در زمینه تغییر نظم اقتصاد بین‌الملل پرداخته است. لازم به ذکر است؛ محتوای این گزارش‌ها لزوماً مورد تأیید مرکز پژوهش‌های مجلس نیست و صرفاً جهت آشنایی مدیران و کارشناسان کشور با این تحلیل‌ها ارائه شده است.



پرونده اول

روابط راهبردی هند و آمریکا



۲. کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا در یک سال^۱

با گذشت یک سال از اجرای کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا، پیشرفت در بخش هند- خاورمیانه قوی است، در حالی که اروپا (به رهبری ایتالیا) باید تلاش خود برای بهره‌برداری از پتانسیل کامل این طرح را افزایش دهد.

طرح کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا (IMEC) ۱۰ سپتامبر سال گذشته در اجلاس سران G۲۰ در دهلی به امضا رسید که یکی از مهم‌ترین ابتکارات ژئواکونومیک با هدف احیای تجارت و بازرگانی در سراسر منطقه هند و مدیترانه است. این کریدور اقتصادهای هند و اقیانوس آرام را به حوزه مدیترانه و آتلانتیک متصل کرده و یک پل اقتصادی مهم را فراهم می‌آورد. هم‌زمان با اولین سالگرد IMEC، ارزیابی پیشرفت‌های صورت گرفته تا به امروز ضروری به نظر می‌رسد. **هند و شرکای خاورمیانه مانند امارات و عربستان سعودی گام‌های دلگرم‌کننده‌ای برداشته‌اند، لیکن درگیری‌هایی که در اوکراین و غزه در جریان است، اروپا و ایالات متحده را از مسیر اصلی برنامه‌ها منحرف کرده است.** به‌رغم چالش‌های منطقه‌ای، هند و متحدان غرب آسیا (برخلاف همتایان دورتر حوزه آتلانتیک) نسبت به این ابتکار خوشبین هستند. این تفاوت در عملکرد باید سریعاً مورد توجه قرار گیرد تا از تحقق کامل پتانسیل این کریدور اطمینان حاصل شود.

الف) چرا IMEC مهم است؟

هدف اصلی IMEC تقویت تجارت جهانی و اتصال از طریق پیوند آسیای جنوبی با خاورمیانه و اروپاست؛ تا با ایجاد مسیرهای حمل‌ونقل کارآمدتر و گسترده‌تر برای کالاها، انرژی و خدمات، **مروج یکپارچگی اقتصادی در میان این مناطق کلیدی باشد.** علاوه بر این، روابط سیاسی و اقتصادی بین هند، خاورمیانه و اروپا را تقویت کرده و انعطاف‌پذیری و ثبات منطقه را بهبود داده است. اگرچه ممکن است IMEC یک تلاش بدیع به نظر برسد، اما در واقع بر پایه برخی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مسیرهای تجاری بین هند و اروپا که قدمت آنها به هزاران سال قبل می‌رسد، ساخته شده است.

درک این پویایی به اهمیت تاریخی هند بازمی‌گردد. هند از دوران باستان تا قرن نوزدهم بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده بود. درست مانند نقش اقتصادی چین در دهه‌های اخیر؛ لذا هند به‌عنوان هدایت‌کننده بخش بزرگی از تجارت جهانی در دنیای باستانی بود. تأثیر این کشور بر تجارت جهانی چنان بود که نشانه‌هایی از آن در سراسر تاریخ اروپا، از تاریخ هرودوت تا لشکرکشی‌های اسکندر مقدونی یافت می‌شود. تلاش کلمب برای دست یافتن به یک مسیر دریایی به سمت هند و رقابت بین قدرت‌های دریایی اروپایی برای تسلط بر مسیرهای تجاری هند، جهان را برای همیشه تغییر داد.

اکنون و پس از بهبودی صدمات ناشی از تخلیه اقتصادی استعمار، هند آماده است تا اهمیت تاریخی خود را بازیابد. این کشور در حال حاضر سریع‌ترین رشد اقتصادی را به خود اختصاص داده و احتمال دارد تا پایان دهه به سومین اقتصاد بزرگ جهانی بدل شود. این تجدید حیات، هند را به بازیگر کلیدی تقویت یکپارچگی اقتصادی هند و مدیترانه و محرک افزایش علاقه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوطه تبدیل می‌کند. این درک تاریخی می‌تواند به رویکرد فعلی و پتانسیل آینده IMEC کمک کند. در حال حاضر، تجارت هند و مدیترانه به شدت به کانال سوئز متکی است و این اولویت برای چندین دهه آتی به همین ترتیب باقی خواهد ماند. با این حال، نمی‌تواند تنها به‌عنوان نقطه ضعف تلقی شود. از این رو تلاش برای تنوع و افزایش حجم تجارت هند و مدیترانه در آینده ادامه بیشتری خواهد یافت و ارزش بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین، **با نگاه به آینده، کریدورهای حمل‌ونقل جدیدی پدیدار خواهند شد که کشورهای حوزه خلیج فارس را از طریق**

۱. مقاله‌ای به قلم کوش آر‌ها، گیلیو ترزی، فرانچسکو تالو، موکش آگی و کارلوس ر‌وا که به تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ در پایگاه خبری National Interest منتشر شده است.

راه‌های زمینی (عربستان سعودی، اردن و رژیم صهیونیستی) به دریای مدیترانه متصل کند. ترکیه و عراق نیز در حال توسعه طرح‌هایی به منظور ایجاد مسیرهای زمینی از خلیج فارس به اروپا از طریق آناتولی هستند. با افزایش حجم تجارت هند و مدیترانه در دهه‌های آتی، ایجاد شریان‌های تجاری متعدد برای مدیریت چنین افزایش تجارتی بین دو منطقه ضروری خواهد بود. گفتنی است؛ مسیرهای ذکر شده پتانسیل زیادی برای رشد اقتصادی و یکپارچگی ایجاد می‌کنند و بسیاری از مناطق از آسیای مرکزی گرفته تا کشورهای ساحلی آفریقا در امتداد اقیانوس هند از آن سود خواهند برد (درست مانند قرن‌ها پیش).

با توجه به تنوع منافع طرفین، IMEC یک ابتکار واقعی چندجانبه است که هیچ کشوری دست بالا در آن ندارد. اعضای مؤسس آن شامل هشت اقتصاد پیشرو گروه ۲۰ (هند، امارات، عربستان سعودی، ایتالیا، آلمان، فرانسه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده) هستند که هر کدام نیز علاقه خاصی به تأمین مالی تأسیسات زیرساختی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) در داخل مرزهای خود دارند تا از این مشارکت اقتصادی رو به رشد حمایت کنند. علاوه بر این، حمایت قوی دیپلماتیکی، اقتصادی و امنیتی ایالات متحده از IMEC به تقویت ارتباطات بین مناطق آزاد در سراسر هند و اقیانوس آرام تا مدیترانه و حوزه آتلانتیک کمک کرده و منافع آمریکا را پیش برده است و در عین حال انعطاف استراتژیک دشمنانش را محدود می‌کند.

با این حال، مناطق پیش‌تاز طرح IMEC شهرهای بندری هند، خاورمیانه و اروپا هستند. از جمله این مناطق، می‌توان به بمبئی در هند و دبئی در امارات متحده عربی اشاره کرد که به صورت قطب‌های مالی و مسیرهای حمل‌ونقل قدرتمند ایفای نقش کرده و به عنوان عامل افزایش رشد اقتصادی عمل می‌کنند. در همین حال، شهر تریست^۱ در اروپا (شمالی‌ترین بندر مدیترانه و دروازه دریایی تاریخی اروپای مرکزی و شرقی) به دلیل موقعیت استراتژیک و نزدیکی به مراکز صنعتی و مالی اروپا یک پایگاه حیاتی مهم به شمار می‌آید.

در کنار این بنادر، شرکت‌های کشورهای عضو IMEC قرار است (به شیوه‌هایی که یادآور لیگ تاریخی هانسیاتیک^۲ است) با یکدیگر همکاری کرده و نوعی «لیگ هندو و ابراهیمی»^۳ مدرن را تشکیل دهند. شرکت‌های پیشروی هندی مانند Tata، Reliance و Ambani به طور فزاینده‌ای با غول‌های خاورمیانه مانند DP World، Etisalat و بانک‌های بزرگ امارات همکاری خواهند کرد. از این رو، شرکت‌های اروپایی مانند Generali ایتالیا، Fincantieri و بازیگران کلیدی حوزه بانکداری، مالی، مخابرات و انرژی برای تسهیل تجارت در امتداد کریدور تجاری رو به رشد IMEC به سایر نیروها خواهند پیوست. نمونه‌های بارز چنین همکاری‌هایی پروژه کابل ارتباطی فیبر نوری زیردریایی Blue Raman ایتالیا به هند است که شرکت‌هایی مانند Omantel، Sparkle و Google را شامل می‌شود. علاوه بر این، بندر تریست سرمایه‌گذاری‌های بسیاری را از شرکت‌های لجستیک اروپایی مانند MSC، HHLA و Adria Ports جذب کرده و نقش خود را در هدایت فعالیت‌های اقتصادی در امتداد کریدور تقویت کرده است.

ب) ارزیابی سالیانه

یک سال بعد، پیشرفت در IMEC متفاوت است؛ به صورتی که شروع طرح با این خبر خوب که هند، امارات و عربستان سعودی هر کدام گام‌های مهمی در تقویت روابط اقتصادی دوجانبه خود برداشته‌اند، طرح آغاز می‌شود. هند و امارات یک توافقنامه مشارکت اقتصادی جامع در سال ۲۰۲۲ امضا کردند که هدف آن افزایش تجارت دوجانبه به ۱۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۷ است. از ماه مه ۲۰۲۲ تجارت بین دو کشور ۱۶/۴ درصد رشد داشت و در سال ۲۰۲۴ به ۸۳/۶۴ میلیارد دلار رسیده است. اکنون امارات متحده عربی در حال رشد بوده و سومین شریک تجاری هند پس از چین و ایالات متحده است. همچنین هر دو کشور در حال پیشرفت مداوم در زمینه امنیت غذایی دوجانبه و توسعه کریدور هستند

1. Trieste

2. Hanseatic League

3. Indo-Abrahamic League



و شرکت تنباکو هند (ITC) به دنبال بررسی امکان گسترش این کریدور در سراسر مسیر IMEC است. فدرال اکسپرس (FedEx) نیز قصد برنامه‌ریزی و آماده‌سازی برای توسعه آتی کریدورهای حمل و نقل IMEC را دارد. تجارت هند با عربستان سعودی نیز در حال گسترش است و طی یک سال از ۵۰ میلیارد دلار عبور کرده و عربستان سعودی را به چهارمین شریک تجاری بزرگ هند تبدیل می‌کند. عربستان سعودی متعهد به سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری برای توسعه شبکه‌های جاده‌ای و ریلی در داخل مرزهای خود به منظور حمایت از اجرای کریدور IMEC شده و به دنبال تقویت نقش حیاتی خود در موفقیت این کریدور است.

اما از سوی دیگر، درگیری‌های جاری در غزه، همراه با افزایش تنش‌ها میان رژیم صهیونیستی، حزب‌الله و ایران چالش‌های مهمی را برای IMEC ایجاد کرده است. حملات حوثی‌ها به ترافیک کانال سوئز نیز عوارض بیشتری را به همراه دارد. با این حال، صلح و ثبات بلندمدت منطقه ارتباط تنگاتنگی با افزایش فعالیت اقتصادی، وابستگی متقابل و رونق مسیرهای تجاری IMEC دارد. بازیگران منطقه‌ای از این واقعیت مطلع بوده و به تدریج در حال تلاش برای تحقق آن هستند. اروپا و ایالات متحده باید توجه داشته باشند که IMEC را به عنوان یک مؤلفه کلیدی در هرگونه مذاکرات صلح برای حل مناقشات فعلی در اولویت قرار دهند. توافقنامه هسته‌ای غیرنظامی ایالات متحده و عربستان سعودی که در حال حاضر در دست اقدام است، پتانسیل معنادار زیادی را به منظور تقویت IMEC به دنبال دارد.

علاوه بر این، بخش اروپا-خاورمیانه و اروپا-هند IMEC، به طور کلی عقب‌مانده است و در مقایسه با پیشرفت‌های حاصل شده در بخش هند و خاورمیانه به تلاش بیشتری نیاز دارد.

ج) ایتالیا بازیگر کلیدی IMEC؟

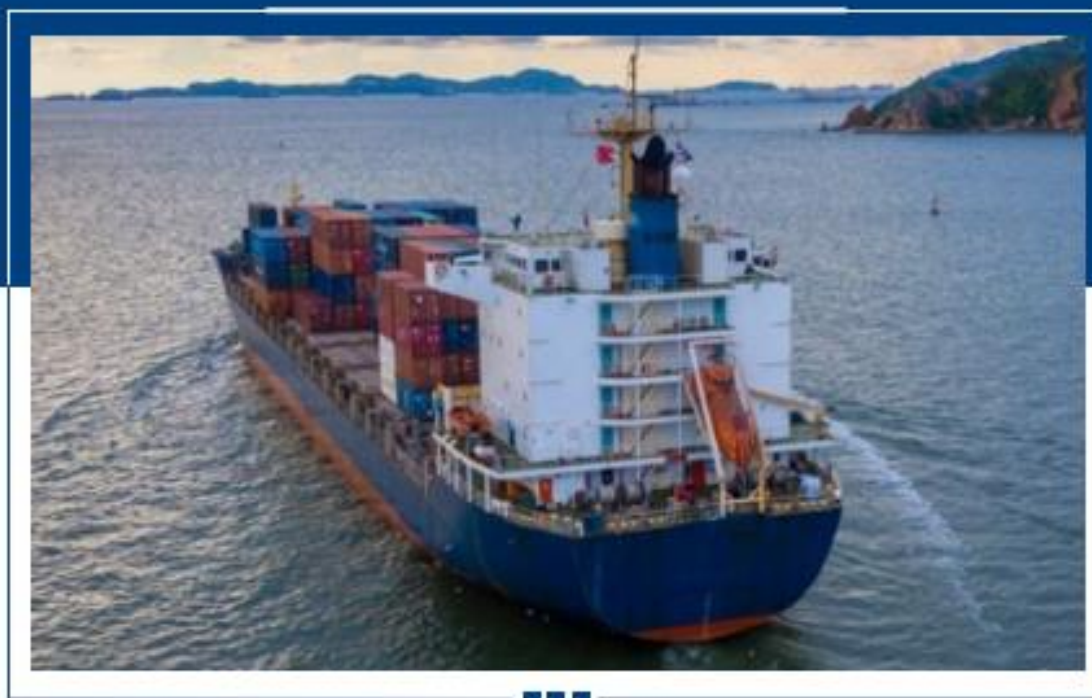
ایتالیا به عنوان شاخص‌ترین امضاکننده اروپایی IMEC در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند نقشی پیشرو در مقابله با این چالش ایفا کند. منافع استراتژیک این کشور نیز کاملاً با این مسئولیت همخوانی دارند؛ زیرا ایتالیا به دنبال تنوع بخشیدن و تقویت روابط تجاری خود با آسیا و در عین حال پیشبرد طرح Mattei خود برای مشارکت با آفریقا است. با تأکید بر زیرساخت، نوآوری و بازارهای جدید IMEC دقیقاً همان ابتکاری است که در بیانیه رقابت‌پذیری اروپای در اگی عنوان شده است. هم هند و هم ایتالیا، کشورهای آفریقایی حوزه دریای مدیترانه و اقیانوس هند را جزئی جدایی‌ناپذیر از آینده تجارت و بازرگانی هند و مدیترانه می‌دانند. بندر تریست ایتالیا واقع در رأس دریای آدریاتیک می‌تواند به اولین قطب اروپایی IMEC (نوعی روتردام مدیترانه) تبدیل شود تا کارآمدترین ارتباط بین مدیترانه و قلب اروپا را ارائه دهد.

علاوه بر مزیت جغرافیایی، ایتالیا از نظر سیاسی نیز در موقعیت مناسبی برای رهبری پیشرفت بخش اروپایی IMEC قرار دارد. با پایان یافتن انتخابات پارلمانی اخیر در اروپا و فرانسه و همچنین با توجه به انتخابات آتی ایالات متحده و آلمان، ایتالیا تداوم نهادی و سیاسی مورد نیاز برای ائتلاف حوزه آتلانتیک IMEC را فراهم می‌کند. ایتالیا باید فعالانه با دولت‌های جدید اروپا و ایالات متحده تعامل داشته باشد تا این اطمینان حاصل شود که IMEC به عنوان اولویت در برنامه‌های ژئواستراتژیک آنها باقی خواهد ماند. علاوه بر این، ایتالیا باید کمک کند تا این کریدور در ابتکار دروازه جهانی اروپا،^۱ دستور کار رقابت‌پذیری اروپا^۲ و مشارکت جهانی G7 برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها^۳ مورد توجه قرار گرفته و تأمین مالی لازم را دریافت کند. بر این اساس، ایتالیا حداقل به منظور پیشبرد منافع ملی خود، باید رهبری و تعهد مستمر برای حصول اطمینان از همیت و اشتیاق لازم بخش اروپایی IMEC برای انطباق با تلاش‌های هند و کشورهای خاورمیانه را ارائه دهد [۱].

1. Europe's Global Gateway Initiative

2. European Competitiveness Agenda

3. G7 Global Partnership for Infrastructure Investment



دیدگاه

همان‌طور که در متن می‌خوانید منظور از کمربند آیمک بیش از آنکه اتصالات حمل‌ونقلی باشد، ایجاد یک اقتصاد سیاسی است؛ اقتصاد سیاسی که شبکه‌های قدرت «هم‌افزا»یی میان بازیگران بزرگ‌مقیاس این کشورها را ایجاد کرده و در آینده معماری امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه را در راستای منافع این شبکه شکل خواهد داد. خبر بد برای ایران و کشورهای محور مقاومت آن است که حتی با وجود موانعی از جمله طوفان الاقصی برای پیشبرد کمربند آیمک روابط کشورهای درون این کریدور روز به روز در حال جهش است و اقدامات درخشانی نظیر مجاهدت‌های رزمندگان مقاومت فقط می‌تواند زمان برای ما بخرد. بازیگر پیروز در این جنگ آن بازیگری خواهد بود که بداند حتی ضربات نظامی‌اش در کجای این ارکستر رقابتش جای دارد. همچنین همان‌طور که مشخص است براساس طرح غربی استقلال کشورهای محور مقاومت در راستای منافع کشورهای کریدور آیمک باید از بین برود تا این کمربند نه عامل اخلاص داشته باشد و نه رقیب پر قدرت و موازنه‌ساز. لذا راه حفظ این استقلال در نسبت با کشورهای جنوب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی نیز فقط ابزار نظامی نیست، بلکه طیف متنوعی از ابزارها نظیر ائتلاف‌سازی با دیگر بازیگران ذی‌ضرر، ایمن‌سازی زنجیره‌های حیاتی، تعریف معماری امنیتی جدید، تغییر در راهبردهای نظامی، سرمایه‌گذاری بر روی زنجیره‌های یکپارچه و متصل‌کننده، برکشیدن اقتصاد سیاسی پیرو در نقاط هدف، توسعه توان اطلاعاتی، تلاش برای متنوع‌سازی کریدورهای دیجیتال ورودی به کشور و مواردی از این دست را شامل می‌شود.



۳. بخت و اقبال به افراد شجاع رومی کند: ارتقای استراتژی ژئواکونومیک اتحادیه اروپا^۱

بیداری ژئواکونومیک اتحادیه اروپا

در بسیاری از نقاط اروپا فضای یأس و ناامیدی در حوزه اقتصاد ملموس است. ماه‌هاست که زنگ خطر از سوی گروه‌های صنعتی، مدیران عامل و سیاستمداران به صدا درآمده است، زیرا چنین به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا در معیارهای اقتصادی (از دستاوردهای بهره‌وری و تولید نوآورانه گرفته تا سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه و مقیاس بازار سرمایه) از ایالات متحده و چین عقب افتاده است. ماریو دراگی^۲ و انریکو لتا^۳ نخست‌وزیران سابق ایتالیا نیز بر این ایده صحنه گذاشته‌اند که در رقابت جهانی برای رشد اقتصادی، صنعت و تحول، کارت‌های اتحادیه اروپا بسیار ضعیف‌تر از کارت‌های رقبای خود است و به قول دراگی اگر خواستی برای ادامه دادن وجود داشته باشد، به یک «تغییر ریشه‌ای» نیازمند است. رهبران اروپایی در ماه آوریل در شورای ویژه اروپا به این نگرانی‌ها توجه کرده و خواستار «معامله رقابت‌پذیری» جدید برای پرکردن شکاف اقتصادی خود با رقبا شدند. قرار شد که رقابت‌پذیری، اولویت اصلی کمیسیون بعدی قرار داده شود.

پایه و اساس رفاه، نفوذ و امنیت اروپا، یک اقتصاد قوی است. اما فقط «رقابتی» کردن اتحادیه اروپا موجب بهبود موقعیت ژئواکونومیک آن نمی‌شود. یک اتحادیه اروپای حقیقتاً ژئواکونومیک، باید چیزی بیش از ارائه فرصت‌های تجاری بهتر برای شرکت‌های خود یا کاهش تشریفات اداری و بوروکراسی فراهم آورد. توانایی اروپا در به دست آوردن و دفاع از موقعیت‌های پیشتازی در حوزه فناوری، حفظ قابلیت‌های تولید مقاوم در برابر شوک و بازسازی حیاتی‌ترین شبکه‌های اقتصادی در امتداد خطوط در حال گسست ژئواکونومیک جدید

۱. مقاله‌ای به قلم توپایس گر که و فیلیپ مدونیک که به تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴ در پایگاه خبری شورای روابط خارجی اروپا منتشر شده است

2. Mario Draghi.

3. Enrico Letta

جهانی نیز تأثیر بسزایی بر موقعیت ژئواکونومیک اروپا دارند. در این واقعیت جدید، حتی سرسخت‌ترین تاجران اروپایی نیز با این حقیقت کنار خواهند آمد که رفاه و امتیازاتی دارند که حفظ آنها نیازمند رویکرد مدیریتی شده‌تر به چالش‌های حوزه اقتصاد و فناوری‌های خاص است. بنابراین، رهبران اروپایی بر یک بخش اضافی در دستور کار اقتصادی خود برای رسیدگی به این چالش‌های ژئواکونومیکی متنوع تأکید کرده‌اند: «ریسک‌زدایی». برای عملی کردن ریسک‌زدایی، طرحی توسط استراتژی امنیت اقتصادی کمیسیون اروپا در ژوئن ۲۰۲۳ به منظور چگونگی شناسایی خطرات و تبیین دستورالعمل‌های موجود برای کاهش آنها توسط اتحادیه ارائه شد. این طرح به خطرات ناشی از اختلالات زنجیره تأمین، فشار اقتصادی، نشت ناخواسته فناوری و اختلالات زیرساخت‌های حیاتی می‌پردازد.

ریسک‌زدایی، ایمن و عملی به نظر می‌رسد و فقط نوید جراحی‌های اقتصادی محدود و مقرون‌به‌صرفه را می‌دهد، اما پیچیدگی‌هایی که مدعی رفع آن است را پنهان می‌کند. اولاً؛ به این دلیل که **بدهستان‌های دشوار** به هنگام تلاش برای محدود کردن خطرپذیری اروپا فراوان است. برای مثال، محدود کردن ریسک وابستگی به کشورهای ثالث به منظور تأمین مواد خام حیاتی یا نهاده‌های فناوری پاک ممکن است بازارها را در معرض خطرات دیگری مانند هزینه‌های بالاتر تولید یا نصب فناوری‌های پاک قرار دهد.

ثانیاً؛ جاه‌طلبی‌های قدرت‌های دیگر عملی بودن ریسک‌زدایی را زیر سؤال می‌برد. به‌عنوان مثال، به‌نظر می‌رسد در حالی که واشنگتن به دنبال حفظ برتری فناوریانه خود به‌عنوان یک هدف امنیت ملی است، تمایل دارد فشارهای تجاری و فناوری بیشتری بر چین تحمیل کند. اقدامات این کشور برای دستیابی به این هدف از صادرات، سرمایه‌گذاری و کنترل‌های مالی گرفته تا وضع یارانه‌هایی که زنجیره‌های تأمین را به سمت سواحل آمریکا منحرف می‌کنند ممکن است کاملاً با طرح‌های اروپا برای کاهش ریسک‌ها هماهنگ نباشد. در عین حال، پکن نیز به دنبال دو برابر کردن دستور کار خود در زمینه ریسک‌زدایی مبتنی بر امنیت ملی است. چین با حمایت از توسعه تولید در فناوری‌ها و صنایعی که ستون فقرات اقتصاد جهانی در حال ظهور را تشکیل می‌دهند به دنبال محدود کردن سهم نهاده‌های اروپایی به کار گرفته شده در صنایع چین و افزایش وابستگی اروپا به کالاها و خدمات استراتژیک خود است. از انتخاب مجدد دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده تا یک حادثه دریایی در دریای چین جنوبی، احتمال وقوع هر یک از رویدادهای ژئوپلیتیکی می‌تواند هر نسخه‌ای از دستور کار اروپایی برای ریسک‌زدایی را بر هم زند.

راه زیادی پیش روی رهبران اروپایی تا تبدیل دستور کار جدید خود در زمینه رقابت‌پذیری، ریسک‌زدایی و امنیت اقتصادی به یک استراتژی ژئواکونومیک مستحکم است. چرخه نهادی جدید اتحادیه اروپا فرصت جدیدی برای انجام این کار ارائه می‌دهد.

مطابق مطالب پیش‌گفته، توضیح داده شد که چرا رویکرد فعلی اتحادیه اروپا (که در استراتژی امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا گنجانده شده) هنوز قادر به ارائه رهنمودهای درستی برای تقویت موقعیت ژئواکونومیک اروپا یا مقابله با بزرگ‌ترین چالش‌های ژئواکونومیکی در سال‌های آینده (مسیر استراتژیک آمریکا، چین، اقتصاد اوراق بهادار و جنگ روسیه) را ندارد. سپس، براساس این درس‌ها و داده‌های گروه استراتژی ژئواکونومیک ECFR سه دستورالعمل به‌منظور ارتقای استراتژی که توانایی تقویت موقعیت ژئواکونومیک اروپا را در مقابل سایر قدرت‌ها دارد ارائه می‌شود. در نهایت، برخی اجزای سازنده برای اینکه چگونه سیاستگذاران اروپایی می‌توانند این فرایند را عملیاتی کنند، توصیه شده است.

جایی که دستور کار امنیت اقتصادی به مشکل برمی‌خورد

ریسک‌های ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگ، چندتکه شدن و اختلالات، چشم‌انداز (در حال تحول) اتحادیه اروپا در مورد اقتصاد جهانی ر تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر شناسایی خطرات عمده اختلالات زنجیره تأمین، سرکوب اقتصادی، افشای ناخواسته فناوری و اختلالات زیرساختی حیاتی، استراتژی امنیت اقتصادی ۲۰۲۳ سه دستورالعمل برای کاهش خطرات ارائه می‌کند: ارتقا،^۱ محافظت و مشارکت. این رویکرد مبتنی بر ریسک به مفهوم غالبی تبدیل شده که راهنمای اتحادیه اروپا برای سازماندهی دوباره اقدامات اقتصادی خود شده است.

1. Promoting



هر چند استراتژی امنیت اقتصادی ۲۰۲۳ جامع و بلند پروازانه بود، اما سال گذشته اتحادیه اروپا برای پیشبرد کامل آن تلاش کرد. ثابت شده که اجرای فرایند ارزیابی ریسکی که توسط کمیسیون اروپا هدایت می‌شود دشوار بوده و گاهی اوقات به دلیل نامشخص بودن اهداف و دامنه وسیع آن موجب ناامیدی هم در پایتخت‌های اروپایی و هم در بین مشاغل می‌شود. لذا کمیسیون تلاش کرده تا اهداف نهایی مورد نظر خود را شفاف کند. کمیسیون اتحادیه اروپا اولین مجموعه پیشنهادها را برای تقویت امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۲۴ منتشر کرد که شامل پیشنهادهایی جهت اصلاح مقررات غربالگری سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا سال ۲۰۱۹، افزایش امنیت تحقیقات در بلوک غرب و همچنین سه گزارش رسمی در مورد ارزیابی ریسک‌های مربوط به سرمایه‌گذاری برون مرزی، اصلاح مقررات کنترل صادرات سال ۲۰۲۱ و حمایت از تحقیق و توسعه در فناوری‌هایی با قابلیت کاربرد دوگانه بود. این بسته عمدتاً بر خطرات امنیت ملی مرتبط با افشای فناوری متمرکز بود، اما از اصلاحات جامع‌تر نیز غفلت نکرده است. تفکیک ریسک‌ها به سختی قابل انجام بوده به‌عنوان مثال، خطرات مربوط به افشای فناوری می‌تواند انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین و ریسک‌های زیرساختی را تشدید کند، به این معنی که بروز یکی به معنای پیامدهایی برای دیگران باشد.

بسته امنیتی اقتصادی اتحادیه اروپا در ژانویه چهار دسته ریسک را به‌طور جداگانه (و نه به‌عنوان یک چالش واحد) مورد بررسی قرار داد و علاوه بر آن به‌طور انحصاری بر دستور کار «محافظت» تمرکز داشت (به‌استثنای پیشنهاد بودجه تحقیق و توسعه بیشتر برای تحقیقات با قابلیت کاربرد دوگانه). گفتنی است؛ دیدگاه جامعی برای ارزیابی امنیت اقتصادی در نبرد اروپا بر سر اهداف بالاتر فنی - صنعتی وجود نداشت. این بدان معنا نیست که اتحادیه اروپا هیچ اقدامی نمی‌کند؛ در واقع چندین طرح باهدف ترویج و مشارکت راه‌اندازی شده، اما تمام اینها یا از نظر دامنه عمل محدود بودند یا در سایر ابتکارات لحاظ نشدند. طرح‌های قابل توجه در مورد «ترویج» عبارتند از قانون تراشه‌های اروپا ۲۰۲۳ که هدف آن به کارگیری حدود ۴۳ میلیارد یورو از سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در اکوسیستم نیمه‌هادی قاره است؛ قانون صنعت برای صفر و قانون مواد خام حیاتی که هدف آن تقویت قابلیت‌های تولید اتحادیه اروپا برای فناوری‌های پاک استراتژیک و مواد خام مورد نیاز برای تولید آنهاست و پلتفرم فناوری‌های استراتژیک اروپا (STEP) که به دنبال ارائه حمایت مالی از فناوری‌های پاک و ظرفیت‌های تولید دفاعی است (که بلندپروازی‌های مالی آن به میزان قابل توجهی کاهش یافته است). این اقدامات بر روی کاغذ اغلب جاه‌طلبانه هستند، اما به معافیت‌های دولتی برای ارتقای صنایع متکی بوده و فقط هماهنگی ضعیفی از سوی بروکسل دریافت می‌کنند. یک سیاست صنعتی متحد اروپایی که در آن اهداف، قابلیت‌ها و زنجیره‌های تأمین فراتر از مرزهای ملی تعریف شوند، عملاً وجود ندارد.

داستان مشابهی در مورد دستور کار امنیت اقتصادی مربوط به «مشارکت» وجود دارد. طیفی از طرح‌های مشارکت جدید در درجه اول برای رسیدگی به خطرات از جمله بیش از ده‌ها قرارداد جدید مواد خام توسط اتحادیه اروپا فراهم شده، فرمت‌های جدید برای دیپلماسی در حوزه آب و هوا، هدایت منابع به شرکای استراتژیک و دیپلماسی فناوری به‌ویژه شورای تجارت و فناوری (TTC) با ایالات متحده و هند و مشارکت دیجیتال با ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور ایجاد شده است. با این حال، این مشارکت‌ها تا حد زیادی از معیارهای ریسک داخلی اتحادیه اروپا که مواردی مانند افشای فناوری یا ارتقای صنعتی را هدف قرار می‌دهند، فاصله دارند.

در واقع چگونگی ارتباط ارتقا، محافظت و شراکت با یکدیگر مشخص نیست. به‌عنوان مثال، طرح‌هایی که برای ارتقای تولید فناوری پاک در اتحادیه اروپا با حمایت از استارت‌آپ‌های صنعتی اجرا می‌شود؛ ارتباطی به‌منظور مقابله با سیل تجهیزات و کالاهای ارزان قیمت چینی ندارد (تعرفه‌هایی که اخیراً بر خودروهای الکتریکی چینی اعمال شده ممکن است نقطه عطفی در این خصوص باشد). همچنین مشخص نیست که چگونه اتحادیه اروپا قصد دارد اهداف ارتقای خود را با اهداف مشارکت با اقتصادهای نوظهور هماهنگ کند، زیرا خود به دنبال کسب موقعیت‌های قوی‌تر در زنجیره تأمین است و اقدامات او ممکن است توسط معیارهای اتحادیه اروپا قابل جریمه باشند. نارضایتی جدی اقتصادهای نوظهور نسبت به اقدامات محیط زیستی اروپا (مانند مکانیسم تعدیل میزان کربن و قانون جنگل‌زدایی) چالش طراحی اقدامات ریسک‌زدایی در امتداد شراکت با اقتصادهای نوظهور (نه مجازات آنها) را نشان می‌دهد.

در حال حاضر برنامه امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا بسیار محدود، واکنشی و تدافعی است. مشخص نیست که چگونه اتحادیه اروپا امیدوار است تا به موارد دشواری مانند سبز کردن اقتصاد یا تقویت برتری یا رونق فناوری رسیدگی کند. رویکرد کنونی فاقد یک چشم‌انداز استراتژیک و اهداف واضح برای درک تأثیرات بی‌شمار ایجاد شده توسط ابتکارات مختلف است. اما سه چالش بزرگ ژئواکونومیک می‌تواند اروپا را بیش از پیش از هم بپاشد. اتحادیه اروپا اگر خواهان این است که با تعدیل مسیر خود، از استراتژی خود در برابر جهان در حال تحول اطمینان حاصل کند باید از تجربیات به‌خوبی عبرت بگیرد.

در چنگال ثروت

عامل آمریکا

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در اواخر سال جاری برگزار خواهد شد که تأثیر بسیاری بر موقعیت ژئواکونومیک اروپا خواهد داشت. طبق سناریوهای بسیاری که توسط همکاران ECFR مورد بررسی قرار گرفته، ترامپ در دوره دوم خود احتمالاً روابط تجاری ایالات متحده با چین را به‌عنوان اولویت اصلی امنیت ملی از سر می‌گیرد و موضعی سخت‌تر اتخاذ می‌کند. این تصمیم می‌تواند عواقبی در پی داشته باشد. پیشتر قانونگذاران جمهوری خواه ایده‌های جنگ‌طلبانه‌ای مانند لغو وضعیت دائمی روابط تجاری عادی با چین را در کنگره مطرح کرده‌اند. رئیس‌جمهور سابق به عملکرد خود در وضع تعرفه ۶۰ درصدی بر اکثر کالاهای وارداتی چین و تعرفه جهانی ۱۰ درصدی بر واردات از همه کشورهای از جمله واردات از متحدان ایالات متحده افتخار می‌کند. ترامپ اخیراً این پیشنهاد را نیز مطرح کرده که با اعمال تعرفه ۲۰۰ درصدی بر خودروهایی برقی چینی از دولت فعلی (دو برابر تعرفه ۱۰۰ درصدی پیشنهادی بایدن) پیشی خواهد گرفت. حتی اگر دولت بالقوه ترامپ چنین سیاست‌هایی را اجرا نکند، کسب و کارهای جهانی با توجه به دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ اقدامات شدیدتری را برای آماده‌سازی در برابر یک جنگ تجاری بالقوه انجام خواهند داد. چین نیز می‌تواند فشار صادرات خود بر اروپا را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد یا از این موقعیت برای تقویت روابط خود با اروپا و ارائه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی مانند توافقنامه اقتصاد سبز اتحادیه اروپا و چین استفاده کند.

احتمالاً ترامپ قصد داشته باشد تا به‌طور مستقیم با کشورهای اتحادیه اروپا معامله کند. این قراردادها مفاد امنیتی ایالات متحده در قبال اتحادیه اروپا را مشروط به امتیازات اقتصادی کرده و جدایی بین منافع اقتصادی و امنیتی را بیش از پیش از بین خواهد برد. برای مثال، دولت جمهوری خواه می‌تواند تضمین‌های امنیتی و مالی اوکراین را به درخواست رویکرد قوی‌تر اروپایی برای مهار پیشرفت اقتصادی و فناوری چین مرتبط کند. با نادیده گرفتن صلاحیت‌های اتحادیه اروپا و صحبت مستقیم با کشورهای عضو به‌جای کمیسیون اروپا، یک جبهه مشترک را تضعیف خواهد کرد.

بدون شک انتخاب مجدد جو بایدن به‌عنوان رئیس‌جمهور نتیجه بهتری برای اروپا خواهد داشت و ممکن است وحدت لازم برای حفظ اتحاد فرآتلانتیک بر سر جنگ روسیه علیه اوکراین را حفظ کند. با این حال، دوره دوم بایدن رویکرد اتحادیه اروپا به امنیت اقتصادی و ریسک‌زدایی را به چالش خواهد کشید. «حیات کوچک» و «حصار بلند» توصیف جیک سالیوان مشاور امنیت ملی بایدن از محدودیت‌های تجاری و فناوری ایالات متحده برای چین است، محدودیت‌هایی که فقط برای تجارت مجموعه محدودی از فناوری‌های «تیرافزا» طراحی شده‌اند و فناوری‌هایی که منجر به نوآوری، تولید و دستاوردهایی در هر صنعت در حال ظهوری مانند پیشرفته‌ترین نیمه‌هادی‌ها می‌شوند. به‌نظر می‌رسد این رویکرد تا حد زیادی با خوانش اروپا از ریسک‌زدایی محدود و مقرون‌به‌صرفه تطابق دارد. با این حال، در عمل دولت بایدن محدودیت‌های تجاری و فناوری را حفظ، گسترش و ساده‌سازی کرده است که طیف در حال رشدی از اقلام و صنایع حوزه امنیت ملی را پوشش می‌دهد. برای مثال اقدامات جدید حوزه امنیت داده‌ها و تحقیقات امنیت سایبری در رابطه با سیستم‌های متصل که در اوایل سال ۲۰۲۴ انجام شد می‌تواند



باعث بروز اختلالات بیشتر در طیف گسترده‌ای از صنایع و محصولات، خدمات و جریان داده‌ها در زنجیره تأمین (از وسایل نقلیه گرفته تا بخش بیوتکنولوژی) شود. از آنجایی که چنین اکوسیستم‌هایی به اتصال میان دستگاه‌ها، افراد و جریان داده‌ها متکی هستند، «هیچ حیطة کوچک و محدودی در تنظیم اقتصاد دیجیتال وجود ندارد».

دولت بایدن قاطع‌تر از قبل متحدان اروپایی خود را تحت فشار قرار می‌دهد تا با وجود اختلاف نظر در مورد اثر بخشی و سودمندی کنترل‌های بیشتر، محدودیت‌های مشابهی را وضع کنند. قدرت مالی گسترده قانون کاهش تورم^۱ که سرمایه‌گذاران حوزه فناوری پاک را تشویق می‌کند، از طریق کاهش مالیات و الزامات تولید داخلی اقدام به راه‌اندازی فروشگاه در ایالات متحده کنند، بسیاری از اروپایی‌هایی را که از رقابت با ایالات متحده در حوزه صنایع سبز آینده بیم دارند را آزرده است. علاوه بر این، تعداد سیاستگذاران آمریکایی (از هر دو طیف سیاسی) که همچنان از رژیم تجارت جهانی با محوریت سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کنند، محدود است. در عوض، ترجیح بسیاری از سیاستگذاران توسعه بلوک تجاری با محوریت ایالات متحده است که منطقه‌های امن را برای متحدان و شرکا ایالات متحده ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد که نتیجه انتخابات آمریکا هر چه که باشد، گزینه‌های ژئواکونومیک اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار داده و دستور کار امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا برای مقابله با چنین چالشی چندان آماده و مجهز نیست. رویکرد اروپایی‌ها برای دفاع از امنیت اقتصادی، رویکردی تکنوکراتیک و مبتنی بر داده‌هاست که ریسک‌زدایی را امری محدود و دقیق برای شناسایی و سپس کاهش خطرات موجود (مانند وابستگی‌های تجاری) می‌داند. در حالی که، ایالات متحده (و همچنین چین) امنیت اقتصادی را از نظر ژئوپلیتیکی چارچوب‌بندی کرده و اجرا خواهد کرد؛ با درک این مطلب که رقابت اقتصادی و رهبری فناوری از عوامل اساسی قدرت نسبی ایالات متحده در برابر چین و مسائل مربوط به امنیت ملی است.

عامل چین

اقتصاد چین بیش از پیش امنیتی می‌شود و این امر نه تنها یک ریسک تجاری بلکه یک چالش ژئوپلیتیکی برای اروپاست. ضعف اقتصادی اخیر چین پس از چندین دهه رشد اقتصادی بسیار بالا به خوبی نمایان شده است: بیش از سه سال است که بازار سهام در حال سقوط بوده و تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری از بین رفته است. بخش املاک و مستغلات دچار مشکل شده، بیش از صدها میلیارد وام بخشوده شده و سرمایه‌گذاری خارجی جدید در کمترین میزان تاریخی خود قرار دارد.

به رغم تمامی این چالش‌ها، حکمرانی پکن همچنان متعهد به سیاست اقتصادی مبتنی بر امنیت است. این کشور از این طریق قصد دارد کنترل خود بر بخش‌هایی از اقتصاد جهانی که اهمیتی حیاتی برای قدرت چین دارند را افزایش دهد.

چین چندین دهه است که تحت عناوین مختلف در حال ریسک‌زدایی است. تئوری استراتژیک «دو بازار، دو منبع» چین به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد که قصد دارد بین بازار و منابع داخلی (که هدف محافظت از آنهاست) و بازار و منابع بین‌المللی (که قصد استفاده و بهره‌برداری از آنها را دارد) تمایز و تفکیک ایجاد کند. اخیراً همین ایده در استراتژی «گردش دو گانه» چین گنجانده شده است. امروزه، این تئوری یک لایه نهایی نیز دارد: «برون‌رفت» که نه تنها صادرات را شامل می‌شود بلکه به تعبیر برخی «کل خروجی زنجیره صنعتی» را نیز در بر می‌گیرد که حرکت سیاسی هماهنگ و جامعی برای صادرات و گسترش بخش‌های مختلف زنجیره تأمین استراتژیک است. این تلاش علاوه بر محصولات، طیف گسترده‌ای از خدمات، مدل‌های مدیریتی، تدارکات تجاری و مبادلات فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

1. Inflation Reduction Act

برای مثال، صادرکنندگان خودروهای برقی چینی در تلاش برای به دست آوردن نفوذ بیشتر بر زنجیره‌های تأمین صنعتی، استانداردهای فناوری، جریان‌های تجاری، مدل‌های تجاری و تجارت جهانی هستند. امروزه جریان خروجی سرمایه‌گذاری‌های چینی در خارج از این کشور به طرز قابل ملاحظه‌ای از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر است.

در کنار هدف دیرینه برای افزایش خودتکایی اقتصادی و فناوری، پکن در حال آزمایش استراتژی‌های جدیدی به منظور گسترش مزایای فناوری خود است (اهدافی که توسط کمیته مرکزی چین و شورای دولتی در سال ۲۰۲۳ دوباره مورد تأکید قرار گرفتند). شی در سال ۲۰۲۲ اظهار داشت: «نوآوری فناوریانه به میدان اصلی نبرد در میدان بازی جهانی تبدیل شده و رقابت برای تسلط بر فناوری به طور بی سابقه‌ای سخت تر خواهد شد». علاوه بر این، چین در تلاش برای تلافی جویی اقدامات اقتصادی رقبای خود است. چین در تولید کالاهای واسطه‌ای (مانند قطعات الکترونیکی و ماشین‌آلات) سلطه‌ای قوی دارد که اهرمی مهم برای تقابل و مدیریت در برابر هر نوع تلاش اروپایی‌ها جهت کاهش ریسک فراهم می‌کند. عجیب آنکه ریسک‌زدایی زنجیره‌های تأمین از وابستگی به چین می‌تواند باعث افزایش تقاضای سایر کشورها از نهاده‌های چینی شود. تبدیل شدن چین به عرضه‌کننده اصلی کالاهای واسطه‌ای نه تنها به او کمک می‌کند تا زبان‌های صادراتی را جبران کند، بلکه قدرت قابل توجهی (هرچند کمتر قابل مشاهده) برای چین به همراه خواهد داشت. بنابراین، تحریم‌ها و کنترل‌های غرب در حال تسریع و اصلاح این اقدامات محافظتی چین هستند.

عدم تعادل ساختاری در اقتصاد چین (و جهان) که بر ایجاد عرضه اضافی به جای تقاضای داخلی متمرکز بوده، دلیل اصلی تمایل پکن برای تصاحب موقعیت‌های صنعتی پیشرو است. پس‌اندازهای مالی چین که زمانی به حمایت از زیرساخت‌ها و بخش املاک و مستغلات آن اختصاص می‌یافت، اکنون به سوی تولیدکنندگان (به ویژه در صنایع بارشده سریع و استراتژیک مانند خودروهای الکتریکی و نیمه‌رساناها) هدایت می‌شود. این کار توانایی ایجاد ظرفیت‌های اضافی را دارد که بازار چین کشش لازم برای تقاضا و جذب آنها را ندارد و چنین نیز به نظر نمی‌رسد که پکن تمایلی به (و یا حتی قادر باشد که) مصرف داخلی را افزایش دهد. تأثیرات این سیاست اقتصادی می‌تواند موجب تثبیت قدرت تولید بی‌رقیب چین برای سال‌های آینده شود و ظرفیت مازاد تولید صنعتی آن در صنایع (از فناوری انرژی پاک و محصولات پتروشیمی گرفته تا کشتی‌رانی، ماشین‌آلات، مواد شیمیایی، داروسازی و تراشه‌های قدیمی) می‌تواند تنظیمات اقتصادی جهانی را تغییر دهد. به عنوان مثال، توانایی چین برای تولید سالیانه ماژول‌های خورشیدی و سلول‌های باتری تا سال ۲۰۵۰ حدود دوبرابر سطح تقاضای جهانی خواهد بود (در صورت تحقق برنامه انتشار صفر کربن تا آن سال). به طور سنتی ایالات متحده بخش بزرگی از مازاد تجاری چین را جذب می‌کرده، اما اکنون تمایلی به چشم‌پوشی از سهم بازار خود در صنایع نوظهور آینده، مانند باتری‌ها و وسایل نقلیه الکتریکی ندارد؛ بنابراین، عمده این کالاها احتمالاً به اروپا و اقتصادهای نوظهور مانند برزیل، هند، مکزیک و ویتنام سرازیر خواهد شد (اگرچه آنها نیز شروع به ایجاد موانع تجاری برای واردات محصولات چینی کرده‌اند).

برنامه امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا کار چندانی برای آماده‌سازی اروپا در برابر چنین تغییراتی نمی‌کند. کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر هرچه بیشتر روابط خود با چین را تعدیل کرده‌اند و هرچه رویکرد تهاجمی جذاب پکن در سراسر این قاره نادیده گرفته می‌شود بیشتر واقع‌بینانه، عمل‌گرا و سرسخت‌تر شده‌اند. با این حال، درجات مختلفی از تحمل ریسک و اعتماد به چین در اروپا باقی مانده که مقیاس واقعی چالش چین برای موقعیت ژئواکونومیک اتحادیه اروپا را مبهم می‌کند. دستور کار کاهش ریسک اتحادیه اروپا تا حد زیادی چشم خود را بر روی استراتژی ریسک‌زدایی در برابر چین بسته است.

اتحادیه اروپا اخیراً تعرفه واردات خودروهای برقی چینی را افزایش داده و چند بررسی در حوزه دفاع تجاری را آغاز کرده است. اما برای مقابله با استراتژی اقتصادی چین به دستور کار سیستماتیک‌تری نیاز دارد. به عنوان مثال، هر چند برنامه‌ای برای ارتقای قابلیت‌های تولید باتری برای کشورهای اروپایی تعریف کرده، این بلندپروازی‌ها در برابر چالش چین رنگ می‌بازد. به رغم تصویب یارانه‌های ۷ میلیارد یورویی توسط



کمیسیون اروپا و بریتانیا برای تولید باتری از ابتدای سال ۲۰۲۲، ظرفیت تولید مازاد چین، جنگی قیمتی را به راه انداخته که بسیاری از بازیگران کوچک‌تر ممکن است جان سالم به در نبرند. حتی بزرگ‌ترین سازندگان باتری اروپا نیز برای رقابت با سیل تجهیزات و کالاهای ارزان قیمت از چین تلاش می‌کنند.

عامل روسیه

تهاجم روسیه به اوکراین، سیاست اقتصادی و امنیتی اتحادیه اروپا را وارد دوره جدیدی کرد و بیش از آنچه از زمان پایان جنگ سرد پیش آمده بود امنیت اروپا را در بوته آزمایش قرار داد. سوئد و فنلاند به ناتو پیوستند و کشورهای عضو در حال افزایش هزینه‌های دفاعی و تحویل تجهیزات نظامی به اوکراین هستند. روسیه از فروش منابع انرژی خود به اروپا به‌عنوان ابزاری تسلیحاتی استفاده می‌کند، در حالی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دنبال کاهش تدریجی اتکای شدید خود به سوخت‌های فسیلی روسیه هستند. طی دو سال گذشته ۱۳ دور تحریم از سوی اتحادیه اروپا علیه روسیه در واکنش به تهاجم گسترده این کشور به اوکراین اعمال شده است.

این رویدادها موقعیت ژئواکونومیک اروپا را از روش‌های مختلفی تحت تأثیر قرار داده است. جنگ انرژی روسیه و اقدام اتحادیه اروپا برای تنوع بخشی به تأمین کنندگان انرژی اروپا منجر به شوک‌های موقتی قیمت انرژی شده که تورم اروپا در سال ۲۰۲۲ را افزایش داد. رژیم تحریم‌های بی‌سابقه اتحادیه اروپا کشورهای عضو را ملزم کرده تا دائماً اقدامات خود را با این تحریم‌ها تطبیق داده و با موضوع بحث برانگیز مقابله با دور زدن تحریم‌ها مقابله کنند. اتحادیه اروپا مجبور است تا از اعمال تحریم‌های ثانویه برای بازداشتن شرکت‌های کشورهای ثالث از تجارت با روسیه استفاده کند تا نحوه رفتار سایر کشورها مانند چین، امارات متحده عربی، ترکیه یا حتی هند را زمانی که تدابیر اروپایی را رعایت نمی‌کنند مشخص شود و حتی حوزه‌هایی که اروپایی‌ها مایل به محدودسازی تجارت روسیه هستند، اما این کشورها وارد مبادله با روسیه شده‌اند معلوم گردد تا امکان بازخواستشان فراهم شود.

به‌رغم شدت سیاست تحریمی اتحادیه اروپا، این سیاست خارج از محدوده دستور کار امنیت اقتصادی قرار دارد، هر چند ریسک‌زدایی روابط بین اتحادیه اروپا و رقبای آن به‌طور اجتناب‌ناپذیری اثر بازدارندگی تهدیدات تحریمی را کاهش خواهد داد. یک استراتژی تحریمی مؤثر به اعمال قدرت معتبری بستگی دارد تا توانایی بازدارندگی داشته باشد یا اگر بازدارندگی شکست خورد، انکار کند. بازدارندگی اقتصادی و انکار به عاملی حیاتی در موضع امنیتی اروپا در برابر مسکو بدل شده، در حالی که این موارد در بحث گسترده‌تر امنیت اقتصادی اروپا غایب هستند. بازدارندگی اقتصادی و قدرت اقتصادی دو روی یک سکه هستند. اگر اروپایی‌ها در مورد روی اول سکه جدی هستند (که هزینه‌های چشمگیر شکست بازدارندگی علیه روسیه نیز به آنها تحمیل خواهد شد) باید اطمینان حاصل کنند که استراتژی امنیتی اقتصادی اروپا به آنها این امکان را می‌دهد تا روی دوم را به دست آورده و حفظ کنند. این استراتژی باید شامل منع چین در حمایت از روسیه نیز باشد.

در نهایت، اروپایی‌ها باید این امر را در نظر داشته باشند که چگونه تعهد بلندمدت به دفاع اوکراین و تعهد برای تأمین مالی بازسازی آن چالشی کاملاً جدید برای اقتصاد این کشورها ایجاد خواهد کرد. تا زمانی که اقتصاد اتحادیه اروپا رونق نداشته باشد، متحد کردن کشورهای عضو حول حمایت از مسائل جنگی و بازسازی اوکراین دشوارتر خواهد بود؛ بنابراین، جنگ روسیه علیه اوکراین، اروپایی‌ها را ملزم به بازنگری در چندین بُعد ژئواکونومیکی می‌کند. این امر نیاز دارد تا تهدیدات مسیر رشد اقتصادی اروپا به حداقل رسانده شود و با چالش‌های ایجاد شده برای ادامه حمایت از اوکراین مقابله و انعطاف‌پذیری اقتصادی بلندمدت ایجاد گردد.

ارتقای استراتژی اقتصادی اتحادیه اروپا

الگوهای امنیت اقتصادی و ریسک‌زدایی که اجلاس کمیسیون اروپایی به احیای آنها کمک کرده، دستاورد بزرگی در تنظیم مجدد چشم‌انداز ژئواکونومیک اروپا بوده است. آنها این درک را احیا کردند که ارتباط سیاست‌های امنیتی و اقتصادی دیگر نمی‌تواند قطع شود و تاکتیک‌های مختلفی برای مقابله با خطرات ارائه داده‌اند. اما نتوانسته‌اند راه‌هایی برای مدیریت مبادلات میان رشد اقتصادی، امنیت ملی و تغییرات

آب و هوایی ارائه دهند و تلاش کرده‌اند که عناصر محافظت، ارتقا و مشارکت را با هم پیوند دهند.

علاوه بر این، دیگر قدرت‌های جهانی (از ایالات متحده گرفته تا چین و روسیه) از ابزارهای اقتصادی خود برای برنامه‌های ژئوپلیتیکی استفاده کرده و خطوط تجارت فنی و نظامی را به نفع خود تغییر شکل می‌دهند. آنها از این طریق گزینه‌های پیش روی اتحادیه اروپا را نیز دیکته می‌کنند. اگر اتحادیه اروپا می‌خواهد تا با سایر بازیگران ژئواکونومیک همگام شود، باید علاوه بر تاکتیک‌های خود، پارامترهای دستور کار اقتصادی خود را نیز مورد بازنگری قرار دهد. این تاکتیک‌ها (محافظت، ارتقا و مشارکت) می‌توانند الهام‌بخش این فرایند باشند. برای تقویت موقعیت ژئواکونومیک اتحادیه اروپا و تجهیز آن برای مدیریت چالش‌های آتی، اتحادیه اروپا باید استراتژی خود را به گونه‌ای ارتقا دهد که فعال، سیاسی و اصولی باشد.

فعال‌سازی آن

ذهنیت و جعبه‌ابزار امنیت اقتصادی اروپا بر واکنش به خطرات موجود (مانند وابستگی به واردات) متمرکز شده است. این امر برای آماده‌سازی اروپا در برابر برنامه‌های ژئواکونومیک سایر قدرت‌ها کافی نیست. همان‌طور که پیشتر بحث شد، دستور کار ایالات متحده (بدون توجه به رئیس‌جمهور آن) در مورد پیروزی در رقابت با چین بر سر برتری فنی، اقتصادی و نظامی است. در عین حال، چین نیز به دنبال ریسک‌زدایی از روابط خود با غرب از طریق استراتژی‌های نامتقارن مختلف از جمله تقویت موقعیت‌های کنترل خود است تا قدرت خود را تقویت و اهداف ریسک‌زدایی اروپا را مشخص‌تر کند. با وجود تفاوت استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ، حداقل یک عنصر مشترک دارند: فعال هستند و بسیار فراتر از کاهش ریسک عمل می‌کنند.

در دنیایی که در آن وابستگی متقابل همچنان به عنوان یک واقعیت باقی خواهد ماند، ریسک‌زدایی صرف محکوم به شکست است. در چنین فضایی، اتحادیه اروپا به ابزار قدرت خود و همچنین بلندپروازی‌های سیاسی خود برای استفاده فعالانه از این ابزارها جهت شکل دادن به موقعیت اتحادیه در زنجیره تأمین و صنایع آینده نیاز دارد؛ بنابراین باید استراتژی کاهش ریسک خود را به نوعی استراتژی ژئواکونومیک فعال که بر نقاط قوت تمرکز دارد، ارتقا دهد.

قدرت ژئواکونومیک اتحادیه اروپا صرفاً به اندازه یک بازار واحد یا سفارش‌های فروش شرکت‌های آن نیست. از آنجایی که رقابت بیش از همه بر سر کنترل و دسترسی به فناوری کلیدی و زنجیره‌های تأمین صنعتی است، قدرت عمل و توانایی به دسترسی به دارایی‌هایی بستگی دارد که امکان ادغام فناوری و صنعت در طول زنجیره‌های تأمین را فراهم می‌کند. این دارایی‌ها شامل امکانات پیشرفته تولیدی، مراکز تحقیق و توسعه، تجهیزات تخصصی، نهاده‌های مواد خام و ارتباط بین زنجیره‌های تأمین مختلف است.

شناسایی فناوری‌های حیاتی برای امنیت اقتصادی (کاری که اتحادیه اروپا اخیراً آغاز کرده) نقطه شروع خوبی برای ایجاد یک دستور کار ژئواکونومیک فعال‌تر است. با این حال، تمرکز بر محصول نهایی کافی نخواهد بود و اتحادیه اروپا را به سایر دارایی‌ها وابسته می‌سازد. برای مثال بخش باتری را در نظر بگیرید که در آن تأمین‌کنندگان تجهیزات که چینی هستند دارایی‌های تولید و نوآوری قدرتمندی را در اختیار دارند که به پکن اجازه می‌دهد تا با تلاش‌های اروپایی‌ها برای کاهش ریسک مقابله کنند. یا بخش نیمه‌هادی که در آن اتحادیه اروپا توجه خود را بر روی تراشه‌های پیشرفته متمرکز کرده، در حالی که چین به زودی در تعدادی از تراشه‌های ساده‌تر تسلط پیدا خواهد کرد که برای طیف گسترده‌ای از کاربردها مانند خودروسازی، ارتباطات و اتوماسیون صنعتی بسیار مهم است؛ بنابراین، اتحادیه اروپا باید ذهنیت خود از درک ریسک‌ها به درک موقعیت‌های قدرتی که صنایع اروپا برعهده دارند (یا می‌توانند کسب کنند) تغییر دهد تا بتواند پویایی‌های ژئواکونومیک را در طول زنجیره‌های تأمین مورد مناقشه شکل دهد.



سیاسی (ژئوپلیتیکی) کردن آن

شناسایی نقاط قوت به دانش فنی زنجیره تأمین نیاز دارد، در حالی که استفاده از ابزار قدرت نیازمند جاه‌طلبی سیاسی است (یعنی دانستن اینکه اتحادیه اروپا چگونه قصد دارد از نقاط قوت و دارایی‌های خود بهره‌برداری کند). بدین‌منظور اتحادیه اروپا علاوه بر ریسک‌های فنی نیاز به تعریف اهداف ژئوپلیتیکی دارد تا به‌نحوه استفاده اتحادیه از اهرم‌های ژئواکونومیک خود برای شکل دادن به رقابت خود با دیگر قدرت‌ها بر سر نوآوری، تولید و تجارت در راستای حیاتی‌ترین زنجیره‌های تأمین کمک کند. یکی از اهداف ژئوپلیتیکی باید این باشد که اطمینان حاصل شود که اتحادیه اروپا باز یگر ضروری حوزه فناوری برای سایر قدرت‌ها (به‌ویژه برای چین) باقی خواهد ماند. جلوگیری از افزایش حمایت چین از جنگ روسیه و همچنین ایجاد یک اقتصاد مقاومتی که توانایی مقابله با تهدیدات بی‌ثبات‌کننده روسیه و ولادیمیر پوتین را دارد و به آن پاسخ هم می‌دهد، از دیگر اولویت‌های ژئوپلیتیکی است که نیاز به پیوند و ارتباطی مستقیم‌تر با سیاست اقتصادی اروپا دارد. همان‌طور که برای حوزه حمایت از محیط زیست انجام شد، اتحادیه اروپا باید جعبه ابزار ژئواکونومیک خود را بر اساس اهداف ژئوپلیتیکی بیان شده بررسی و پیش برد. بدین ترتیب یک استراتژی سیستماتیک‌تر امکان‌پذیر می‌شود که با بازی فعلی اتحادیه اروپا در مورد ریسک (بازی موش و چکش)^۱ متفاوت خواهد بود.

برای اینکه یک استراتژی ژئوپلیتیکی بیشتر تأثیر بگذارد، اتحادیه اروپا باید بر بلوک‌های سیاستی چندپاره خود غلبه کند. **بر خلاف دوران جنگ سرد که دانش استراتژیک بیشتر بر سیستم‌های تسلیحاتی و گردان‌های نظامی متکی بود، عصر ژئواکونومیک فعلی نیازمند هوشمندی عمیق در زمینه زنجیره‌های تأمین، فناوری‌ها، صنایع و الگوهای تجاری است.** جمع‌آوری و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات حساس بین صنعت و دولت، بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا و بین اتحادیه اروپا و متحدانش یک قابلیت استراتژیک بوده که برای رویکردی منسجم و ژئوپلیتیکی اساسی است. هم‌زمان، رهبران کشورها نیز باید یک نمای جامع سیاسی از چگونگی ارتباط چالش‌های ژئواکونومیک (از روابط روسیه و چین گرفته تا کنترل صادرات و ایجاد مشارکت‌های جدید با کشورهایی که بازیگران کلیدی در بخش‌های اولویت‌دار هستند) ایجاد کنند. انجام تمام این موارد با استفاده از روش‌های کاری امروزی به‌سختی امکان‌پذیر است.

تنظیم مجدد اصول

تأثیر رقابت قدرت‌های بزرگ بر اقتصاد جهانی به این معنی است که قوانین و اصول جدیدی که برای مبادلات اقتصادی دیکته می‌شود توسط کشورهای قدرتمند است. جهانی‌زدایی ساده یا جداسازی در کل اتفاق نخواهد افتاد، بلکه اشکالی از «جهانی‌سازی مجدد» از طریق تنظیم مجدد زنجیره‌های تأمین استراتژیک اتفاق خواهد افتاد.

اتحادیه اروپا از این تغییرات غایب نبوده و به‌عنوان مثال از بازار خود برای شکل دادن به زنجیره‌های تأمین جهانی (مطابق با استانداردهای سبز و دیجیتال ترجیحی خود) استفاده می‌کند. با این حال، در جهت اهداف ریسک‌زدایی خود، تمایل کمتری برای استانداردسازی از خود بروز داده و تا حد زیادی این حوزه را به دیگران واگذار کرده است. اگر این اتحادیه به پیامدهای ناخواسته بالقوه اصول تجارت سبز خود به‌درستی فکر کند، انفعال این بلوک می‌تواند آن را به یک گیرنده استاندارد تبدیل کند.

اولاً؛ اروپایی‌ها تمایل دارند تا بین دو نوع تهدید تمایز قائل شوند: **تهدیدهای مرتبط با رقابت اقتصادی (مانند استراتژی‌های تسلط بر صنایع کلیدی از طریق شیوه‌های تجاری ناعادلانه) و تهدیدات مربوط به امنیت ملی (مانند فناوری حساسی که به دست ارتش می‌افتد).** این تمایز روز به روز سخت‌تر می‌شود؛ زیرا سایر کشورها کل زنجیره‌های تأمین صنعتی را مبنا و هدفی برای مزیت نظامی قرار داده‌اند. جنگ روسیه علیه اوکراین چالش دفاعی-صنعتی را آشکار کرد که آموزنده است و نشان داده که تهدید امنیتی می‌تواند به اعماق بازار گسترش یابد. تولید مقادیر زیادی از کالاهای دومانظوره در اروپا (که می‌تواند هم برای تجهیزات نظامی استفاده شود و

1. Whack-a-Mole

هم کاربردهای غیرنظامی مانند بلبرینگ، موتورهای الکترونیکی و لوله‌ها) به پاشنه آشیل این قاره تبدیل شده است. بسیاری از اجزای به کار رفته در تجهیزات نظامی سرتاسر جهان، در اتحادیه اروپا یا دیگر اقتصادهای غربی تولید می‌شوند. فناوری‌های پاک نیز همپوشانی فزاینده میان امنیت ملی و اقتصادی را نشان می‌دهد. فناوری‌هایی مانند وسایل نقلیه الکتریکی و مبدل‌های خورشیدی (که انرژی تولید شده توسط پنل‌های خورشیدی را به شبکه‌های برق سرازیر می‌کند) در درجه اول یک چالش اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. اما این توانایی را نیز دارند تا جریان‌های داده‌ای که به مسائل امنیت ملی و امنیت سایبری تجاوز می‌کنند را انتقال داده و کنترل کنند؛ بنابراین، **تنظیم مجدد اصول امنیت اقتصادی مستلزم گسترش حوزه امنیت ملی به ورای تهدیدها و کالاهای نظامی سنتی است.**

ثانیاً، امیدواری به اینکه کسب و کارها خودشان زنجیره‌های تأمین استراتژیک (مانند موارد مربوط به مواد معدنی یا اجزای حیاتی باتری را دوباره راه‌اندازی کنند) حتی اگر انجام این کار هزینه‌های بالایی برای آنها داشته باشد، غیرواقعی است. به‌عنوان مثال، استراتژی اتحادیه اروپا برای تقویت تأمین کنندگان مواد خام از مقاصد جایگزین در آفریقا و آمریکای لاتین از طریق تسهیل سرمایه‌گذاری در این کشورها برای شرکت‌های اتحادیه اروپا در نظر بگیرد. اگر جایگزین از نظر قیمت توانایی رقابت با عملیات استخراج، پردازش و تولید در مقیاس عظیم چین را نداشته باشند، بعید است خریداران اروپایی از این تأمین‌کنندگان حمایت کنند؛ بنابراین، استراتژی امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا باید تضمین کند که بازار فرصت‌هایی را برای فروش منابع متنوع (نه فقط براساس هزینه آنها) ارائه می‌کند. اصول امنیت اقتصادی باید مشارکت در زنجیره تأمین استراتژیک مبتنی بر امنیت ملی و سایبری، ملاحظات آب‌وهوایی، انعطاف‌پذیری، امنیت فناوری و استانداردهای زیرساخت حیاتی را تعیین کند.

برای مقابله با هر نوع واکنش منفی به دستور کار امنیت اقتصادی، اتحادیه اروپا باید پیشنهاد جامع‌تری برای کشورهای واقع در جنوب جهانی و اقتصادهای کلیدی نوظهور ارائه دهد که علاوه بر دسترسی به بازار، همکاری‌های مالی و نوآوری، این امکان را نیز فراهم آورد که این کشورها ملاحظات مربوط به امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا، استانداردهای آب‌وهوایی و در نتیجه تعمیق ادغام آنها با اتحادیه اروپا را برآورده کنند. اتحادیه اروپا باید شرکای بین‌المللی برای هر زنجیره تأمین استراتژیک را شناسایی کند که بتوانند از زنجیره تأمین انعطاف‌پذیرتر حمایت کرده و از اینکه همکاری با اتحادیه اروپا در طول این زنجیره‌های تأمین فرصت‌های اقتصادی نیز برای آنها فراهم می‌کند، مطمئن شوند.

عملیاتی کردن استراتژی گسترده‌تر اتحادیه اروپا

سه اصل زیر، باید به ارتقا دستور کار امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا به سطح بالاتر و ارتقا وجهه اتحادیه به‌عنوان یک بازیگر ژئواکونومیک کمک کند. باین حال، وقتی صحبت از ایجاد یک استراتژی فعال‌تر، سیاسی و اصولی‌تر به میان می‌آید، اتحادیه اروپا باید به تمام جنبه‌های سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود با تمرکز بر رقابت در صنایع و زنجیره‌های عرضه مورد علاقه خود بپردازد. این امر مستلزم یک رویکرد جامع در سراسر اروپاست، نه رویکردی که بر مجموعه محدودی از ابزارها برای رسیدگی به ریسک‌ها متکی باشد. توصیه می‌کنیم که کمیسیون اروپا و کشورهای عضو با واحدهای ساختاری سیاست زیر شروع کنند.

۱ یک موافقت‌نامه اطلاعات فنی و صنعتی برای اتحادیه اروپا بسازید

اطلاعات فنی - صنعتی از مهم‌ترین توانمندی‌های استراتژیک در عصر ژئواکونومیک است (توانایی شناسایی فناوری‌ها و سرمایه‌هایی که اکوسیستم‌های صنعتی را ساخته، زنجیره‌های تأمینی که به آنها وابسته هستند و اینکه چه کسی ممکن است از این فناوری‌ها و برای چه هدفی استفاده کند) که اتحادیه اروپا فاقد آن است. فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، زیست‌شناسی مصنوعی و مواد پیشرفته و کوانتومی با سرعتی بی‌سابقه در حال تکامل هستند و کسانی که در آنها پیشرو هستند، قدرت شکل‌دهی به آنها و همچنین مزایای امنیتی به دست می‌آورند؛ بنابراین ارتقای قابلیت‌های اطلاعاتی اتحادیه اروپا پیش شرط حیاتی برای تبدیل شدن به یک بازیگر فعال ژئواکونومیک است برای نقطه شروع، ارزیابی ریسک اکوسیستم‌های فناوری (که کمیسیون و کشورهای عضو آن را آغاز کرده‌اند) می‌تواند مفید عمل کند. اما



کاستی‌های بسیاری نیز از سوی اتحادیه اروپا در جمع‌آوری و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات مرتبط مشاهده شده است. برای بهبود این فرایند، اتحادیه اروپا باید آن را به یک موافقت‌نامه اطلاعات فنی-صنعتی ارتقا دهد تا متعهد به افزایش و تجمیع قابلیت‌های تحلیلی هم در بروکسل و هم در سایر پایتخت‌ها شوند. این ساختار جدید باید شامل کارشناسان صنعتی و امنیتی باشد تا مشخص سازند که کمیسیون و کشورهای عضو چگونه می‌توانند اطلاعات فنی-صنعتی مرتبط را به صورت مستمر تولید کنند. بدین نحو اتحادیه اروپا قادر می‌شود تا دانش خود را در مورد خطرات و نقاط قوت گسترش داده و ارزیابی‌های مختلف ریسک را که در حال حاضر عمدتاً به صورت جداگانه و با منابع محدود مورد بررسی قرار می‌گیرند، یکپارچه کند.

۲ اصلاح ساختار امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا

ساختار کنونی امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا برای حمایت از یک دستور کار فعال، سیاسی و اصولی مهیا نیست. لذا به منظور عبور مؤثرتر از ساختارهای سیاستگذاری جداگانه به تلاش‌هایی نیاز است. اولاً، نیاز است تا کمیسیون اروپا نقش هماهنگ‌کننده قوی‌تری بین مجموعه‌های مختلف سیاست امنیت اقتصادی ایفا کند. وجود یک اداره امنیت اقتصادی در دبیرخانه مرکزی می‌تواند بر اجرای کارآمدتر استراتژی کمیسیون، نظارت و از آن حمایت کند. علاوه بر این، همان‌طور که پیشتر نیز از سوی ECFR پیشنهاد شده بود معاون اجرایی ژئواکونومیک باید نقش هماهنگ‌کننده بین مجموعه‌های مختلف کمیسیون مانند ادارات بازرگانی، بازار داخلی و صنعت، اقدامات خارجی و مشارکت‌های بین‌المللی (که از دستور کار ژئواکونومیک حمایت و پشتیبانی می‌کنند) ایفا کند. همچنین این واحد باید برای کشورهای عضو، متحدان و بخش خصوصی به یک‌میزان در دسترس باشد.

ثانیاً، شورای اروپا باید مسائل ژئواکونومیک را در تمام دستورهای کاری خود ساده کند تا با استقبال بیشتری از سوی کشورهای همسو مواجه شود. در نشست‌های وزیران (از تجارت و رقابت گرفته تا امور خارجی و اقتصاد) عمدتاً به جنبه‌های ژئواکونومیک به طور جداگانه پرداخته می‌شود. شورای ژئواکونومیک که این وزرا را دو بار در سال گردهم می‌آورد، به شورای اروپا کمک می‌کند تا کار خود را ساده کند. همچنین دبیرخانه شورای اروپا باید توانایی‌های خود برای حمایت از گروه‌های کاری با تحلیل‌های مناسب را ارتقا دهد. یک سرویس جدید مشابه خدمات حقوقی می‌تواند از ساده‌سازی اطلاعات گروه‌های مختلف کاری پشتیبانی کند. همچنین این امکان را فراهم می‌سازد تا همکاری‌ها برای تمرین‌های مشترک ژئواکونومیک مانند سناریوهای احتمالی بحران (که همه گروه‌های کاری مرتبط در آن مشارکت کرده و ایده‌های مقدماتی توسعه می‌یابند) افزایش یابد.

در نهایت، یک انجمن گفتمان سطح بالا در حوزه ژئواکونومیک با مشارکت بخش عمومی و خصوصی می‌تواند حمایت لازم از هوشیاری ژئواکونومیک شرکت‌های اروپایی و جلب همکاری‌های اطلاعاتی فنی-صنعتی مورد نیاز را به عمل آورد. رئیس سابق دولت می‌تواند به عنوان رئیس این مجمع عمل کند و گزارش‌های عمومی با توصیه‌های عملی در مورد اینکه چگونه همکاری بخش‌های خصوصی و دولتی می‌تواند افزایش یابد، تهیه کند.

۳ فشار بر گروه صنعتی کشورهای G7 برای استانداردهای امنیتی اقتصادی

اتحادیه اروپا و متحدانش باید استانداردهای امنیتی-اقتصادی را توسعه دهند که مشارکت در زنجیره‌های تأمین استراتژیک را بر اساس تعدادی استاندارد تعیین می‌کند نه فقط هزینه. این استانداردها می‌تواند شامل انعطاف‌پذیری، امنیت سایبری، تداوم‌پذیری و قابل اعتماد بودن یک تأمین‌کننده باشد که با حدود دقیق تعریف شده‌اند. زنجیره‌های تأمین با اولویت باید شامل مواردی باشد که شرکای اتحادیه اروپا و گروه صنعتی ۷ آنها را حیاتی (مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی، محاسبات کوانتومی، و نیمه‌رساناها) و استراتژیک (مانند مواد خام حیاتی و فناوری‌های انرژی پاک) شناسایی کرده‌اند.

تعریف استانداردهای امنیتی-اقتصادی با متحدان گروه صنعتی G7 (فرایندی که پیشتر آغاز شده) امیدوارکننده‌ترین و تأثیرگذارترین راه

خواهد بود، زیرا بازارهای ترکیبی آنها ابزار قدرتمندی برای شکل دادن به زنجیره‌های تأمین استراتژیک است. اما این گفتمان‌ها باید شامل هر اقتصاد نوظهوری باشد که دارای جایگاه و همچنین جاه‌طلبی در این زنجیره‌های تأمین استراتژیک هستند (مانند برزیل، هند، اندونزی یا مراکش برای فناوری‌های پاک) بر این اساس که استانداردها امکان مشارکت، رقابت و انعطاف‌پذیری بیشتر آنها در این صنایع را فراهم کنند. شرکایی که در مورد بازتعریف اصول زنجیره تأمین استراتژیک توافق دارند، می‌توانند ابزارهای امنیت اقتصادی که با اهداف مشترک آنها همسو هستند را به کار گیرند. براساس چنین مبنای مشترک، آنها می‌توانند یک روش دقیق‌تر ایجاد کنند شرایطی را که مداخله دولت (از محدودیت‌های هدفمند گرفته تا یارانه‌ها) ممکن است مجاز باشد را معین سازند.

گسترش مشارکت‌ها به اتحادهای فنی - صنعتی

اتحادیه اروپا که از لحاظ ژئواقتصادی هوشمندتر است باید اهداف پیشگیرانه مانند ایجاد موقعیت‌های قوی در زنجیره تأمین کلیدی را با مشارکت‌های خارجی خود ادغام کند. برای انجام این کار، اتحادیه اروپا باید اتحادهای اقتصادی شرکای خود را در کل اکوسیستم‌های صنعتی ایجاد کند. این رویکرد کمک می‌کند تا شرکای دارای سرمایه مانند امکانات تولید پیشرفته، مراکز تحقیق و توسعه، تأمین‌کنندگان تجهیزات تخصصی، نهادهای مواد خام یا پیوندهای زنجیره تأمین مفیدی که مکمل نقاط قوت اروپا بوده یا ضعف‌های آن را می‌پوشانند، شناسایی کند. رویکرد هدفمندتری برای مشارکت اقتصادی و شرکای پدیدار خواهد شد (مشابه آنچه اتحادیه اروپا با دیپلماسی مواد خام خود آغاز کرده، اما در کل زنجیره تأمین و اکوسیستم‌های صنعتی گسترش یافته است). برای مثال، یک اتحاد برای باتری می‌تواند شبکه گسترده‌ای از شرکای معدنی اتحادیه اروپا (مانند آرژانتین، شیلی، نروژ و زامبیا)، شرکای فناوری (مانند کره جنوبی و ژاپن) و خود اتحادیه اروپا را برای بازار خودرو قدرتمند فراهم آورد.

برای مؤثر واقع شدن این اتحادها، اتحادیه اروپا باید راه‌های مشخصی برای هماهنگ کردن سیاست‌های تجاری و صنعتی ارائه دهد. به‌عنوان مثال، باید اطمینان حاصل کند که ابزارهای مالی او (مانند گلوبال گیت‌وی)^۱ می‌تواند از پروژه‌های صنعتی در کشورهای متحد برای باتری پشتیبانی کند و این کشورهای شریک به مشوق‌های مالی در اروپا (از جمله دسترسی به بازار) دسترسی دارند.

از ریسک‌زدایی تا احیای قدرت

رویکرد اتحادیه اروپا برای مدیریت تحولات ژئوآکونومیک با تمرکز بر ریسک‌ها آغاز شده است. بدین ترتیب پایه و اساس خوبی فراهم می‌شود، اما برای پیوند عناصر مختلف رویکرد آن (ارتقاء، محافظت، مشارکت) به یک استراتژی منسجم نیاز است تا قادر باشد موقعیت ژئوآکونومیک اروپا را تقویت و با چالش‌ها مقابله کند. چرخه نهادی بعدی اتحادیه اروپا فرصتی برای توسعه رویکردی فعالانه ارائه می‌دهد که فراتر از خطرات فوری فکر می‌کند، ساختاری ژئوپلیتیکی تر و کم‌حاشیه‌تر ایجاد می‌کند و اصول سنتی حاکم بر حیاتی‌ترین زنجیره‌های تأمین را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد.

این امر فقط با تمرکز بر اتحادیه اروپا اتفاق نمی‌افتد. بیش از هر زمان دیگری، گزینه‌های ژئوآکونومیک اروپا مشروط به اقدامات دیگران است. اتحادیه اروپا نمی‌تواند بدون تعامل چندجانبه جدید با متحدان و شرکای نزدیک خود به موقعیت ژئوآکونومیک بهتری دست یابد. همه اینها مستلزم یک تغییر اساسی در طرز فکر بوده که تمرکز آن بر تقویت موقعیت اروپا در میدان بازی جهانی است [۲].

1. Global Gateway



دیدگاه

با گذشت بیش از چهار دهه از بازی حرفه‌ای چینی‌ها، اتحادیه اروپا در موضع‌گیری رسمی خود اعلام کرده که امنیت، در تمام این سال‌ها، محور اصلی توسعه چین بوده است. این گزاره به‌تنهایی حاکی از تحولات بنیادین در پارادایم‌های حکمرانی غربی است. شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا نیز در سند رسمی خود اذعان دارد که ایالات متحده آمریکا دست کم یک دهه است که این رویکرد را در پیش گرفته است. در چنین فضایی، بسیاری از مفاهیم حتی در حوزه‌های آکادمیک نیز دچار چالش شده‌اند که این چالش‌ها طیفی از مفاهیم نظیر رقابت و نقش خصوصی‌سازی در فرایند توسعه تا ادبیات مرتبط با تنش‌زدایی و رفع ادراک تهدید در سیاست را در بر می‌گیرند.

جمهوری اسلامی ایران نیز نباید از این تغییرات در رویکردهای حکمرانی جهانی غافل بماند. امنیتی‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اقتصادی‌سازی سیاست‌های استراتژیک باید در اولویت دستور کار نهادهای عالی امنیتی کشور قرار گیرد. این دستور کار لازم است با سازوکاری منسجم و هدفمند همراه شده و در قالب نهادسازی، به‌صورت ساختاریافته دنبال شود.



پرونده سوم

نسبت آمریکا و جنگ غرب آسیا

۴. در مواجهه با جنگ در خاورمیانه و اوکراین، ایالات متحده ضعیف به نظر می‌رسد^۱

نمی‌توان این ایده را پذیرفت که بایدن در میان بحران‌های جهانی سرگردان است. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که سیاست خارجی او به همان اندازه سیاست خارجی دوران ترامپ رادیکال است.

نوشتن تاریخ در حین رخ دادن آنها با ریسک بسیاری همراه است؛ اما اضطراب شرایط این امر را ایجاب می‌کند. در حال حاضر نیاز داریم که توضیحی برای این مطلب بیابیم که چرا ایالات متحده تلاشی برای آرام کردن اوضاع در خاورمیانه و فشار برای مذاکره بین اوکراین و روسیه به عمل نمی‌آورد.

یک نوعی از دیدگاه شکل گرفته که عقیده دارد دولت بایدن در اوضاع فعلی سرگردان بوده و هیچ طرح بزرگی ندارد. ایالات متحده فاقد اراده یا ابزاری برای انضباط یا هدایت اوکراینی‌ها و صهیونیست‌هاست. در نتیجه، عمدتاً بر اجتناب از آغاز جنگ جهانی سوم متمرکز است.

اگر چنین باشد این امر، گواهی غم‌انگیزی بر افول جاه‌طلبی هژمونیک آمریکا است. لذا جای تعجب نیست که در داخل ایالات متحده درخواست‌های بسیاری برای توسعه سیاست خارجی «مستقل» (مستقل از مسئله اوکراین و رژیم صهیونیستی) وجود دارد.

اما اگر این تفسیر بسیار ساده‌انگارانه باشد چه؟ اگر غرض‌ورزی واشنگتن دست‌کم گرفته شده باشد چه؟ چه خواهد شد اگر چهره‌های کلیدی دولت به‌راستی این مقطع زمانی را لحظه تاریخی تعیین‌کننده و فرصتی برای تغییر شکل توازن قدرت جهانی بدانند؟ اگر آنچه ما شاهد

آن هستیم در واقع چرخش ایالات متحده به تجدیدنظرطلبی^۲ عمدی و همه‌جانبه با پیاده‌سازی استراتژی تنش باشد، چه؟ قدرت‌های تجدیدنظرطلب کسانی هستند که خواهان از بین بردن وضعیت موجود هستند. در مفهوم گسترده آن، می‌تواند به معنای تمایل به

تغییر جریان رویدادها نیز باشد. به‌عنوان مثال، به‌دنبال تغییر مسیر یا توقف روند جهانی شدن است. تجدیدنظرطلبی اغلب با ناخشنودی از زمان حال یا دلتنگی برای ایام خوب گذشته همراه است.

آنچه باعث می‌شود تا از این تفسیر از سیاست خارجی جو بایدن دور شویم، تجاوز روسیه در فوریه ۲۰۲۲ و حماس در ۱۷ اکتبر سال گذشته است. غرب به رهبری ایالات متحده عموماً رفتاری واکنشی داشته، نه فعال. اما اگر نه بر روند، بلکه بر نتایج سیاست ایالات متحده تمرکز کنید،

تفسیر متفاوت ذکر شده قابل قبول به نظر می‌رسد.

تقاضا برای بازگرداندن مجدد ایالات متحده به قدرت در دوران دونالد ترامپ به معنای واقعی کلمه تجدیدنظرطلبانه بود. او هیچ علاقه‌ای به قوانین فعلی بازی نداشت. معاهدات تجاری را از پنجره بیرون انداخت. بر معاملات با چین تعرفه وضع کرد. سرلوحه کارش «اول آمریکا» بود.

تیم بایدن در مقایسه با ترامپ، به تعهد خود به نظم مبتنی بر قوانین می‌بالید، اما وقتی نوبت به اقتصاد جهانی و ظهور چین می‌رسد، بایدن به همان اندازه (شاید بیشتر از سلف خود) تهاجمی بوده است.

در دوران بایدن واشنگتن متعهد شد سال‌ها افتی که ظاهراً ناشی از لطف بیش از حد به چین بود را جبران کرده و ایالات متحده تلاش کرد تا توسعه فناوری چین را متوقف کند. برای انجام این کار متحدان مسلح قدرتمندی مانند هلند و کره جنوبی را دارد. زمانی که سازمان تجارت

جهانی جرئت اعتراض به تعرفه‌های فولادی آمریکا را یافت، واکنش کاخ سفید تحقیرآمیز بود. Bidenomics برای افراد متفکر همان MAGA^۱ است.

۱. مقاله‌ای به قلم آدم توز که به تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۲۲ در پایگاه خبری گاردین منتشر شده است.

۲. Revisionism: روش فکری ادوارد برنشتاین آلمانی که ابتدا پیرو مارکس بود، اما بعدها این دکترین را که مبتنی بر اصلاح سیستم انقلابی مارکس است و اعتقاد دارد سوسیالیسم از طریق تکامل تدریجی می‌تواند جهانگیر شود را ابداع کرد.



در هند و اقیانوسیه حال حاضر، ایالات متحده صرفاً به دنبال دفاع از وضعیت موجود نیست، بلکه به دنبال تعریف عرصه استراتژیک جدیدی است. در گفتگوی امنیتی چهار جانبه،^۱ واشنگتن شبکه جدیدی از اتحادها را ایجاد کرده که هند، ژاپن و استرالیا را به ایالات متحده پیوند می‌دهد. اگر اتفاق دیگری در دو سال گذشته نمی‌افتاد، قضاوت مشخص و واضح بود: سیاست ژئواکونومیک ایالات متحده در قبال چین در دوران بایدن، ادامه تجدیدنظر طلبی است که اولین بار در دوران ترامپ مشاهده شد.

به دلیل تمرکز بر رویارویی با چین، کاخ سفید در سال ۲۰۲۱ به دنبال تنش‌زدایی با روسیه بود. آنچه باعث به هم خوردن این روند شد، دو اشتباه محاسباتی پوتین بود. اولین مورد این فرض بود که حمله وی به اوکراین یک اتفاق کم‌ارزش تلقی می‌شود. دوم، دست کم گرفتن تمایل غرب برای استفاده از اوکراین به عنوان نیروی نیابتی علیه روسیه بود. با گذشت دو سال از جنگ، موقعیت غرب به تجدیدنظر طلبی در رابطه با خودش تبدیل شده است. در مورد اوکراین و روسیه، وضعیت موجود دیگر قابل قبول نیست.

شرایط در خاور میانه واضح‌تر است. در خاور میانه نیز دولت بایدن به دنبال تشدید تنش نبود. توافقات ابراهیمی که ترامپ بین امارات متحده عربی رژیم صهیونیستی و برقرار ساخته بود چشم‌انداز امیدوار کننده‌ای را فراهم کرده بود. اما روابط رو به رشد روسیه با ایران و مداخله چین در منطقه این چشم‌انداز را تیره کرد. با حمله ۷ اکتبر حماس و با آشکار شدن عزم دولت رژیم صهیونیستی برای پایان دادن به شیوه زندگی با حماس و حزب الله، واشنگتن نیز چراغ سبز نشان داد.

ایالات متحده هزینه بیش از ۲۵ درصد از تجاوزات رژیم صهیونیستی در حین اینکه غزه را به طور فیزیکی نابود می‌کند، به کرانه باختری تعدی و حزب الله را ریشه کن می‌کند را تقبل کرده است. متحدانی مانند آلمان و بریتانیا را به صف کشیده است. این امر از نتایج در برابر اقدامات عدالت بین‌المللی محافظت می‌کند.

البته برخلاف مسئله اوکراین، آمریکا دیپلماسی را ادامه داده است. اما با چه تأثیری؟ اول و مهم‌تر از همه این است که ایران را در محاصره و کشورهای قدرتمند خلیج فارس را در کنار خود نگه دارد. در همین حین، رژیم صهیونیستی شبکه نفوذ ایران را از بین برده و چشم‌انداز راه حل دو دولتی مطرح شده در دهه ۱۹۹۰ را از بین می‌برد.

در هر سه عرصه (چین، اوکراین و خاور میانه) ایالات متحده اقدامات خود را پاسخی به تجاوزها خواهد خواند. اما به جای تلاش مستمر برای بازگشت به وضعیت قبلی، در واقع سطح ریسک را بالا می‌برد. در حالی که اصرار دارد که حامی نظم مبتنی بر قوانین است آنچه شاهد آن هستیم چیزی نزدیک به احیای جاه طلبی ویرانگر نومحافظه کار دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ است.

استراتژی تجدیدنظر طلبانه ایالات متحده در رابطه با چین از ابتدا مشخص بود. در اوکراین و خاور میانه، واشنگتن فقط به رویدادها واکنش نشان داده است. اما اینها را نمی‌توان شواهدی برای رد مقاصد استراتژیک دانست. استفاده از تهاجم دشمن، استیصال دوستان و بی‌رحمی متحدان به نفع خود، سیاستی هوشمندانه بوده که واشنگتن کاملاً بی‌اعتنا نبوده است. بایدن در برابر رادیکال‌ترین درخواست‌ها برای مذاکره در مسئله اوکراین مقاومت کرده و او از افغانستان خارج شد و از وارد کردن سربازان آمریکایی در محاصره خودداری کرده است. برخی مواقع کاخ سفید ممکن است تصمیم بر ضروری بودن آتش بس بگیرد.

اما چیزهایی بیشتر از سرگردانی ساده در اینجا وجود دارد. ابتدا در ریاست جمهوری ترامپ و اکنون ریاست جمهوری بایدن شاهد مشارکت خودخواسته در تخریب کنترل شده نظم پس از جنگ سرد دهه ۱۹۹۰ هستیم.

1. Quad (Quadrilateral Security Dialogue)

دیدگاه

نگاه تقلیل گرایانه به نظام حکمرانی ایالات متحده آمریکا که تاریخی عمیق و ساختاری قدرتمند دارد و محدود کردن آن به نقش اشخاص، ساده‌انگارانه است. نخبگان آمریکایی امروز اذعان دارند که رفتارهای جو بایدن و دونالد ترامپ تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند و هر دو از منطقی ثابت پیروی کرده‌اند. این منطق، به‌طور خاص، بیانگر نقشی است که آمریکا به‌عنوان بازیگری ضدنظم ایفای می‌کند؛ نظمی که خود، آن را ایجاد و گسترش داده است. وقایعی مانند همه‌گیری کرونا، جنگ اوکراین یا طوفان الاقصی تنها شتاب‌دهنده این روند بوده‌اند و برنامه‌های پشت پرده را به‌طور غیرمنتظره‌ای جلو انداخته‌اند. آمریکا، در خلال این تحولات، به‌دنبال بازطراحی جغرافیای جدیدی در نظم جهانی است؛ جغرافیایی که قلعه آن در فراتلانتیک مستقر است، دست‌های آن به هند، کشورهای عربی و آفریقا می‌رسد و پایه‌های آن نظم دریایی اقیانوس آرام را شامل می‌شود.

در این شرایط، رقابت اصلی دیگر تنها بر سر حفظ بازدارندگی نیست، بلکه بر سر استقرار معماری امنیتی مطلوب بازیگران جهانی است. رهبر معظم انقلاب نیز بر ایجاد «کمر بند دفاع، استقلال طلبی و عزت» تأکید کرده‌اند؛ کمر بندی که از منظر ژئواستراتژیک، به‌منظور پیوند دادن قلمرو ایندوپاسیفیک با فراتلانتیک در چارچوب معماری امنیتی مستقل ملت‌های منطقه طراحی شده است. تعیین تکلیف این معماری امنیتی، به‌معنای واقعی کلمه، مسئله‌ای حیاتی برای مرگ و زندگی ملت‌های منطقه به‌شمار می‌آید.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحولات نظم اقتصاد بین‌الملل در دوران معاصر نشان‌دهنده بازتعریف نقش کشورها و نهادهای بین‌المللی در مواجهه با چالش‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی است. یادداشت‌های ارائه شده در این گزارش نیز هر کدام به‌نوعی به این مهم پرداخته‌اند.

- نظم اقتصاد بین‌الملل در حال تجربه تغییرات اساسی است که کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) یکی از نمونه‌های برجسته این تحولات است؛ این کریدور بنا دارد نظم جدیدی را پایه‌ریزی کند، اما با وجود پیشرفت‌های هند و کشورهای خاورمیانه، نیاز به تعهد بیشتر اروپا برای بهره‌برداری کامل از این پروژه احساس می‌شود.
- تغییر نقش بازیگران در زنجیره‌های تأمین نیز نشانه دیگری از تحولات نظم جهانی است؛ اتحادیه اروپا برای حفظ موقعیت خود در نظم اقتصادی بنا دارد از رویکردهای محافظه‌کارانه فراتر رود و استراتژی ژئواکونومیک پیشرفته‌ای اتخاذ کند. کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین جهانی، مدیریت بهتر امنیت اقتصادی و هماهنگی استراتژیک میان اعضا از اقدامات ضروری برای مقابله با چالش‌های رقابتی از سوی آمریکا، چین و روسیه است.

- به‌نظر می‌رسد عدم اقدام قاطعانه آمریکا در قضیه اوکراین نشان‌دهنده ضعف نیست، بلکه بخشی از یک استراتژی عمدی است. ممکن است دولت بایدن به‌طور عمدی در حال اجرای یک «استراتژی تنش» باشد تا توازن قدرت جهانی و اقتصادی خود را بازتعریف کند. سیاست دولت بایدن به اندازه سیاست‌های دونالد ترامپ رادیکال است، اما ممکن است در ظاهر چنین به‌نظر نرسد.



منابع و مأخذ



[1]. Arha, K., Terzi, G., Talò, F., Aghi, M., Roa, C., (2024). IMEC at One Year: India-Middle East Leads, Europe Needs to Recommit, The National Interest, 10 September.

Direct Link: <https://nationalinterest.org/feature/imec-one-year-india-middle-east-leads-europe-needs-recommit-212678?s=09>.

[2]. Gehrek, T., Medunic, F., (2024). Fortune favours the bold: Upgrading the EU's geoeconomic strategy, European Council of Foreign Relation, 27 June.

Direct Link: <https://ecfr.eu/publication/fortune-favours-the-bold-upgrading-the-eus-geoeconomic-strategy/>.

[3]. Tooze, A., (2024). Facing war in the Middle East and Ukraine, the US looks feeble. But is it just an act?, The Guardian, 24 September.

Direct Link: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2024/oct/10/war-middle-east-ukraine-us-feeble-biden-trump>

گزیده سیاستی

امروزه اقتصاد بین الملل با سرعت قابل توجهی در حال تجربه تحولات عمیق بوده که در این راستا، شناخت صحنه جدید اقتصاد بین الملل نیازمند پایش، مطالعه تحلیل ها و یادداشتهای معتبر است. لذا گزارش حاضر به بررسی تعدادی از یادداشتهای معتبر در زمینه تغییر نظم اقتصاد بین الملل پرداخته است.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir